



ضمیمه‌ای
بر

مسائل حاد جنبش ما

دومین شماره

نشریه ویژه بحث درون دو

سازمان مجاهدین خلق ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

از انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران

اردیبهشت ماه ۱۳۵۶

توضیح

۱ - آنچه در این ضمیمه میخوانید دو نامه است که بین "سازمانهای جبهه ملی ایران بخش خاورمیانه" و سازمان مجاهدین خلق ایران (ارگان خارج از کشور) مبادله شده است.

همچنین مطالبی پیرامون نامه ما به "سازمانهای جبهه ملی ایران بخش خاورمیانه" تحت عنوان "درحاشیه نامه به جبهه ملی" بعد از دو نامه فوق مطالعه خواهید نمود.

۲ - از آنجا که مطالب فوق میتواند جوانبی از انتقادات ما به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را روشنتر نموده و همچنین مواضع اپوزیوشن و ضد انقلابی جبهه را انشاء نماید به انتشار آن مبادرت میورزم.

نامه

سازمانهای جبهه ملی ایران
در خاورمیانه

به

سازمان مجاهدین خلق ایران

رفقای گرامی

پیرو مذاکراتی که اخیراً یا نماینده شما در (ت) داشتیم لازم می بینم که چند نکته را با اطلاع شما برسانیم. این نکات شفاهاً هم توضیح داده شد مانند ولی تذکر مجدد آنرا ضروری می بینیم.

۱- با در نظر گرفتن اینکه ضرورت ابراز نظر مشخصاً به عنوان یک سازمان اپوزیسیون در مقابل رویداد های اخیر جنبش انقلابی ایران و منجمله تغییرات و مسائل سازمان مجاهدین خلق در رابطه با جنبش ملعانه، هر روز بیشتر میشود. در تاریخ ۱ و ۲ مه ۱۹۷۶ از نماینده شما تقاضا کردیم که در صورت امکان، هر چه سریعتر پاسخ به سئوالاتی را که شفاهاً و کتیباً در اوت ۱۹۷۵ (پس از اطلاع از اعلام قریب-الوقوع تغییر ایدئولوژی سازمان) با شما مطرح کردیم، به اطلاع ما برسانید. ما معتقدیم که پاسخ به سئوالات فوق میتواند برای ما و سایر نیروهای متوق در ایران از نظر اتخاذ موضع متمهد و مشول و صریح مؤثر باشد. سئوالات ما همانطور که میدانید در انتهای تحلیل کوتاه ما، که بر بنیای اطلاعات داده شده (از طریق مسئولین سازمان شما) تنظیم شده بود عبارت بودند از:

• آیا چه ضروری دارد که سازمان مجاهدین اعلام کنند که دارای دو هسته مستقل مارکسیستی و مذهبی است؟ آیا در مورد وحدت نام با رفقای فدائی قبل از اعلام علنی تغییر ایدئولوژی کل سازمان، بجز اشکالات علی (تاکتیکی) منطقی ایدئولوژیک و استراتژیک وجود دارد؟ واگرنه چرا بصورت فعال این مسئله قبل از هر نوع اعلام مطرح نمیشود. بطوریکه در سازمان تواما راه حلی برای مسائل بیابند.

۲- در تاریخ ۴ مه ۱۹۷۶ در (ت) نماینده سازمان شما از ما خواست که

هنگام تجلیل از شهدای سازمان مجاهدین خلق در رادیو میهن پرستان (برنامه یاد شهیدان) از معتقدات مذهبی آنان ذکر می‌بماند. لازم به توضیح می‌بینم که ما این پیشنهاد را غیر اصولی و اساساً نادرست می‌دانیم و طلب ما از انجام آن معدوم است. ما معتقدیم که توافق یا عدم توافق ما با معتقدات ایدئولوژیک افراد و سازمانها نباید موجب درگزن جلوه دادن واقعیات شود. اگر این توضیح مختصر و توضیحات شفاهی نمایند، ما از نظر شما قانع‌کننده نیست ما حاضریم مفصلاً نظر خود را بسط دهیم و جنبه‌های مختلف آنرا بشکافیم.

۳- چون ما یک سازمان درون‌کنتری نیستیم و اطلاعات ما عمدتاً از طریق سازمانها و گروههای انقلابی درون کشور تأمین میشود، لهذا تغییرات ناگهانی و احياناً نادرست در این اطلاعات میتواند در تصویر واقعیت در نظر ما خدشه‌های فراوان بوجود آورد و حال آنکه ما برای اینکه قادر به دفاع صحیح از جنبش مسلحانه خلق باشیم باید تصویر درستی از وقایع در اختیار داشته باشیم. تفاوت‌هایی که در ابرازات رفقای نمایند، شاید ما در مورد نحوه تغییر ایدئولوژی بسیار بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک وجود دارد ما بر آن میدانیم که از شما رسماً تقاضا کنیم که نیمه در صورت‌مسائل و امکان، مواضع و نقطه نظرهای خود را کتبا با اطلاع ما برسانید و یا در پایان هر ملاقات حضوری با نوعی جمع‌بندی کتبی توافق کنید تا ما قادر باشیم نظرات شما را به روشنی دریافت کرده و با آگاهی به آنها، بر اساس معتقدات خود برنامه سازمان خود را در دفاع و حمایت از جنبش مشخص کنیم.

از آنجا که به علت کثرت مشغله شما و ما ممکن است ملاقات حضوری در اسرع اوقات میسر نباشد، یک کپی از این نامه را به آدرس پستی شما ارسال میکنیم و تقاضا داریم شما نیز یک نسخه از جواب خود

را به آدرس ما در یمن ارسال نماید .

باید پیروزی خلق های ایران
پسر شکره باد مبارزات مسلحانه سازمانهای انقلابی
سازمانهای جبهه ملی ایران خارج از کشور^(۱)

۱ - این نامه در فرم رسمی که در سر تیتر آن عبارت " سازمان -
نهای جبهه ملی ایران در خاورمیانه " چاپ شده بود برای ما
ارسال شد .

پاسخ

مسئولین امور خارج از کشور

سازمان مجاهدین خلق ایران

به

مسئولین سازمانهای جبهه ملی ایران

در خاورمیانه

رفسقا ! مسئولین سازمانهای جبهه ملی ایران (بخش خاورمیانه)
درود ما را بپذیرید !

از آنجاکه پاسخ به نامه ۱۴ مه شمار هجتمین پاسخ به مطالبی که شفاها از طریق یکی از رفقای مادر^{۱۳۳۱} ارسال داشته و به برخی از آنها در این نامه هم استناد کرد باید^۲، مستلزم یک اشاره کلی به برخی مسائل مربوط به سازمانهای خارج از کشور^۳ را بطعمگرو- همار سازمانهای پشت جبهه با سازمانهای انقلابی بیشتر از قوانین و ضوابط مربوط به این ارتباط بود^۴ و همینطور این جواب بستگی به برخورد با بعضی نارسئیهل و تناقضات اساسی موجود در هويت ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی شاپید امپکرو^۵ این بود که لازم دیدیم ضمن مطرح کردن این مسائل و ابهامات بصورت مشخص^۶ ابتدا انقضظ نظرات و مواضع خودمان را نسبت به این مسائل روشن کرد^۷ و بر این بنا پاسخ مسائلی را که مطرح نمود باید^۸ بد هم^۹.

در مورد سازمانها و گروههای خارج از کشور معتقدیم :

الف - سازمانهاییکه برای خود هويت مستقل ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی بعنوان یک سازمان سیاسی - انقلابی قائل هستند^{۱۰} باید منطبق با کاراکتری که به عنوان یک سازمان انقلابی اتخاذ کرده اند بداخل آمد^{۱۱} نظرات و تئوریهای خود را به گونه آزمایش گارد^{۱۲} و بوظایف اصلی ای که بعهده^{۱۳} چنین سازمانهای هست عمل کنند^{۱۴}. در این صورت روشن است که پراتیک چنین مبارزهای زمینه برخورد علمی با مسائل اساسی جنبش برای آنان فراهم نمود^{۱۵} و در این شرایط آنها میتوانند بطور عینی با مسائل و قضایای اساسی جنبش برخورد بکنند^{۱۶} در فراین صورت یعنی در صورتی که بخواهند همچنان در خارج از کشور بمانند^{۱۷} (۱) بعقیده^{۱۸} ما دیگر هويت مستقل ایدئولوژیک - سیدل^{۱۹} سیاسی - سازمانی بعنوان یک سازمان انقلابی نیس تواند برای آنها معنی داشته باشد^{۲۰}.

۱ - بنظر ما آن سازمانهای هم که جهت گیری ۹۹ ساله برای داخل دارند شامل اینها نیس شوند و در واقع نیس خواهند بداخل بیایند^{۲۱}.

روشن است که در این صورت آنها قادر نباشند * با توجه بدو بودن از محیط عمل و همچنین پراتیک و مبارزه محدود خود (محدود به همان فعالیت های صنفی - سیاسی) تئوری انقلابی برای جنبش ارائه ندهد و خط سیاسی - استراتژیک برای جنبش انقلابی مشخص نمایند و بایستوانند پیرامون مسائل اساسی جنبش انقلابی به بحث و گفتگوی خلاق بپردازند * این عدم توانایی نه تنها بدلیل دوری آنها از شرایط محیط و نبودن زمینه های مادی درک برای مسائل فوق است * همچنین بدلیل محدودیت فعالیت های سیاسی و مبارزاتی و نوع پراتیکی است که در اینجای دیگر این سازمانها را توسط از سازمانهای انقلابی متمایز می کنند * بنظر ما این سازمانها تنها واحد اکثر (در صورتیکه بخواهند) صادر و وظایف خود عمل کنند * می توانند در یک ارتباط مشخص به عنوان پشت جبهه سازمانهای انقلابی موجود در جبهه نبرد قرار گرفته و در این رابطه طبیعی است که دیگر نمی توانند هویت مستقلی بمعنای یک سازمان و یا گروه انقلابی داشته باشند *

ب - سازمانها و اتحادیه های دانشجویی که مضمون فعالیت مبارزاتی شان همان مبارزات صنفی - سیاسی یعنی مبارزاتی که بهر صورت بنوعی در چهارچوب مبارزات صنفی - سیاسی محدود می شود است * ارتباط این سازمانها با سازمانهای انقلابی از همان قوانین و ضوابط مربوط به ارتباط جنبش انقلابی پیشتر با سازمانها و گروههای در برگیرنده جنبش های توده ای تبعیت میکند که وظیفه آنها نیز طبعا حمایت همه جانبه از مبارزه سیاسی - انقلابی خلق و سازمانهای انقلابی آنست * روشن است که وظایف و فعالیتهای این سازمانها و اتحادیه های دانشجویی با وظایف گسترده یک سازمان انقلابی مارکسیستی - لنینیستی و همچنین مضمون اجتماعی - سیاسی وظایف آنها اساسا و کیفیتا با هم اختلاف دارند و یک مرز بندی دقیق و اصولی بین ماهیت سیاسی و اجتماعی سازمانهای در برگیرنده فعالیت های دانشجویی با ماهیت سیاسی - اجتماعی یک سازمان پیشاهنگ مارکسیستی - لنینیستی وجود دارد * باین ترتیب در بین سازمانها و گروههای واقعا مبارز خارج از کشور * شق ثالثی نمی تواند وجود داشته باشد *

با آنهاستیکه برای خود هویت مستقل ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی قائل هستند باید بداخل بیایند و بوظائف خود عمل کنند و مانع درجین صورت می توانیم با آنهاستخوان یک سازمان سیاسی مستقل برخورد کنیم ، یا آن سازمانهاستیکه در رابطه با مضمون مشخص فعالیت و مبارزه اجتماعی شان ، سازمانها و اتحادیه های دانشجویی را تشکیل می دهند ، در این میان آن سازمانهاستیکه بهر عنوان در خارج از کشور فعالیت و مبارزه می کنند و مبارزه آنها صرفا در جنبش دانشجویی خلاصه و محدود می شود تنها واحد اکثری تواند بعنوان سازمانهای (صنعی - سیاسی) دانشجویی بحساب آیند که حمایت بی قید و شرط آنها از مبارزات انقلابی خلق و سازمانهای انقلابی درون کشور ملاک مترقی بودن آنها خواهد بود .

و اما در مقابل سازمانهای دانشجویی اصلی ترین وظیفه یک سازمان صنعتی - سیاسی و مترقی که همانا حمایت از مبارزه سیاسی و انقلابی خلق است ، قرار میگیرد و آنان وظیفه دارند بدون قید و شرط تمام امکانات و توانیشان را در خدمت جنبش انقلابی قرار دهند . طبیعتا تشخیص منافع جنبش و جنگجویی برخورد با فعالیت های حمایت گرایان سازمانها با خود سازمانهای انقلابی خواهد بود . بشظر ما امروز مترقی بودن این - سازمانهای دانشجویی هم در درجه اول مشروط به انجام و اجرای صادقانه چنین وظیفه های می شود و گرنه در مورد آن سازمانهای که چنین هدفی یعنی هدف دخالت - یث از مبارزه سیاسی و انقلابی خلق را برای خود انتخاب نکرده باشند ، در چنین کادری سختی هم نمی تواند باشد ، و اصولا چنین سازمانهای دیگری نمی توانند نمایندند ، تا ایلات ضد امپریالیستی و احساسات دموکراتیک دانشجویان و روشنفکران خارج از کشور باشند ، باین ترتیب تمام حرکات تأیید آمیز ، فعالیت های تبلیغاتی ، انتشاراتی و تدارکاتی در خارج از کشور و فراهم آوردن امکانات مالی - تکنیکی و تبلیغاتی برای جنبش در چهارچوب اصلی ترین وظیفه سازمانهای صنعتی - سیاسی و مترقی می گنجد و سازمانهای دانشجویی در خارج از کشور مانند هر سازمان صنعتی - سیاسی

حامی هر جنبش سازمان و یا سازمانهای انقلابی وظیفه دارند تمام کوشش خود را با توجه به رهنمودهای جنبش انقلابی خلق و سازمانهای انقلابی آن از طرف دیگر متوجه مرکز کنند و متقابلاً وظیفه سازمانهای انقلابی است که به تناسب رشد خود و نیرو و توانی که با توجه به ابعاد گسترده وظایف انقلابی شان دارند، با این جنبش ها و سازوکارهای در بر گیرنده آنها تماس برقرار کرده و مبارزه آنان را در جهت منافع جنبش انقلابی خلق هدایت کنند .

این ها اصولی است که سیاست ما را در برخورد با سازمانها و گروههای خارج از کشور تعیین میکنند . اما ما وقتی بر اساس چنین نظرات و سیاستی خواستیم بنای همکاری و برخورد با شمارا برنیم (خصوصاً بعد از تحول ایدئولوژیک سازمان با اعداء ها و تناقضاتی برخورد کردیم که هويت سياسي - ايدئولوژيك - سازمايى شمارا در چهار ابعاد و سردرگمی میکرد^(۱) که ضرورتاً هرگونه همکاری و برخورد اصولی و جدی را مقدّمات معمول به روشن شدن و برخورد با این تناقضات و ابهامات میکرد .

بر اساس ادعای شامیتینی بر معرفی خود بعنوان يك سازمان سياسي - انقلابی مجرد از سازمانهای دانشجویی، برای ما این سؤال مطرح می شود که هدفهای سیاسی و هويت ايدئولوژيك این سازمان چیست ؟ چرا تا کنون هیچ موضع ایدئولوژیکى در "باختر امروز" ارگان رسمی شما و سایر نشریاتی که بطور رسمی و یا غیررسمی از طرف شما منتشر میشود، گرفته نشده است ؟ (۲)

۱- این ابهامات و این تناقضات البته باین معنی نیست که ما نتوانیم هويت سازمان شمارا نوعاً بشناسیم ولی بهر حال همکاری و برخورد فعال ما با شما بستگی به روشن کردن این مسائل از طرف شما و برخورد یا آنها پیدا میکند .

۲- باید بگوئیم این ابهامات و تناقضات در اینجا با توجه به کاراکتری که شما بعنوان يك سازمان مستقل سياسي بخود میگیرید و یا با مواضع ايدئولوژيك غیرعقلی دیگری که در برخورد هایتان بنام سازمانهای جبهه ملی ایران و یا گروهی در درون

ما می پرسیم آیا انداختن هویت مشخص ایدئولوژیک بدلیل موضع جبهه‌های شما وجود سازمانهای انقلابی با مواضع مختلف ایدئولوژیک - سیاسی در درون آنست؟ و آیا شما این جبهه خود را هم طرازجبهه انقلابی متشکل از سازمانهای انقلابی میدانید؟ در این صورت بلافاصله این سؤال مطرح میشود که این سازمانها که اند؟ مواضع ایدئولوژیک - سیاسی هر کدام چیست؟ هدفها و خواسته‌های سیاسی آنان چیست؟ فعالیتهای سیاسی و مبارزاتی آنان چیست و در کجا این فعالیتهای انجام میگردد؟ ارگان رسمی و نوشته‌های رسمی آنان در کجا یافت میشود و ... اگر اینطور نیست و سازمانها وجود ندارد بنابراین مفهوم این سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج میانه چه معنی میدهد؟ آیا مواضع جبهه‌های شما و گرفتن موضع مشخص ایدئولوژیک بدلیل وجود سازمانهای دانشجویی با گرایشات مختلف ایدئولوژیک - سیاسی در درون یک جبهه است؟ در این صورت دیگر مفهوم سازمان سیاسی و انقلابی مجرد از این سازمانهای دانشجویی چه معنی میدهد؟ یا اینکه شما سازمانهای جبهه ملی ایران را صرفاً به عنوان یک نام برای سازمان خود انتخاب کرده‌اید که فعلاً صرف نظر از بحث بر سر انگیزه استفاده از چنین نامی باز همان سؤال اول مطرح میشود که بنابراین هدفهای سیاسی این سازمان چیست؟ مواضع ایدئولوژیک - سیاسی آن کدامست و فعالیتهای و مبارزه در خور چنین سازمان سیاسی‌ای در کجا انجام میشود؟

با این ترتیب شما بر اساس مواضع ادعائی خودتان از روشن کردن اصلی ترین مواضعی که مضمون اجتماعی و سیاسی مبارزه این سازمان را از جریانات دیگر مبارزاتی متمایز میکند، مفرقه رفتاید. ممکن است گفته شود مواضع شما از قهقهل خارج از کشور

آن (در این مورد قریب نمی‌کند) بخود میگیرید و بوجود می‌آید و گرنه نداشتن هویت مشخص ایدئولوژیک برای سازمان شما با توجه به مضمون اجتماعی - سیاسی مبارزاتی سازمان برای ما قابل توجه است که البته دیگر این سازمان نمی‌تواند خود را بعنوان یک سازمان انقلابی مجرد از جریانهایی دانشجویی معرفی کند.

بودن «هدفهای سیاسی و فعالیت‌های مبارزاتی و حمایت‌گزارانه از جنبش‌سلحشانه» در ارگان رسمی تان آمده است و مجموعه مواضع شما همانست که در این نشریه انتخاب گردیده است. من گویم بسیار خوب. ما هم طبعی است در هر صورت. چه مضمون فعالیت‌های شما داشتن هیت مستقل ایدنولوژیک را برای سازمانتان نمی‌کنند و چه خود شما درین معرفی خود به عنوان یک سازمان سیاسی مجرد از سازمانهای دا- تشجوی «از گرفتن چنین موضعی طفره بروید» یا شما بر اساس همان هدفهای نیاس مواضع عملی‌ای که در این نشریه انعکاس دارد و همچنین بر اساس مضمون مشخص فعالیت‌های مبارزاتی شما برخورد کنیم. ولی در این صورت مواضع مارکسیستی - لنینیستی‌ای که شما در نوشته اوت ۷۵ خود و یاد رگه‌گوه‌های اخیرتان پارسیق ما (پنجم سازمانهای جبهه ملی ایران در خاورمیانه و یا گروهی مخفی در درون آن) انتخاب کردید و از ما هم می‌خواهید شما را با این مواضع بشناسیم، چه معنی میدهد؟ همین نامه ۱۴ مه شما که تحت عنوان سازمانهای جبهه ملی ایران در خاورمیانه برای مسال ارسال شده حاوی تناقض آشکاری است. اینکه طرف ما سازمانهای جبهه ملی ایران را در درجه اول بوسیله ارگان رسمی آن یا خترا سرزمی شناسیم و طبعاً مواضع ایمن نشریه و فعالیت‌های این سازمان باید در مجموع مواضع سازمانی و محتوای ایدنولوژیک مبارزات این سازمان را نشان دهد. از طرف دیگر در همین نامه با همین عنوان اشاره به گفتگویی من کنند که مسئولین سازمانهای جبهه ملی ایران (بخش خاورمیانه) در آن «مواضع ایدنولوژیک این سازمان و یا گروهی در درون آن»^(۱) را مارکسیسم - لنینیسم معرفی کرده بودند. و از ما انتظار داشتید شما را با چنین موضعی بشناسیم. مطالب هم که در «T» در مورد مواضع ایدنولوژیک سازمان خودتان گفته‌اید این است: «... ها را بشکل دیگری تأیید میکنند. شما در جواب این سؤال که مواضع ایدنولوژیک سازمان شما چیست گفته بودید: «مارکسیسم - لنینیسم موضع ما است» ضد ما نوریسم موضع ما است» که ما فعلاً به بند اول این عبارت کارداریم. و از طرف دیگر گفته بودید: «پاروقی در صفحه بعد

جای مارکیست بودن که هنگام برخورد با خمینی یافتود. دانشجوی نیست، هر چیز جایی دارد. وقتی مایاچریکهای فدائی هستیم روشن است که مارکیسم، (۱) آنها دیگر حرفهای تازه‌ایست در عالم مارکیسم - لنینیسم که ما می شنوم. بفرمائید ببینیم اگر جای مارکیست بودن شما در مقابل جنبش دانشجویی که روشن نباشد، در مقابل خمینی و مذهبیین که روشن نباشد، در سطح جنبش و حتی در ارگان رسانان "باختر امروز" که روشن نباشد، پس کجا باید روشن باشد؟ آیا مواضع ایدئولوژیک شما باید در محافل خصوصی روشن شود و یا با همکاری این یا آن سازمان خود بخود روشن می شود؟ باین ترتیب شما می خواهید بگوئید سازمانهای جبهه ملی ایران در مقابل جنبش دانشجویی يك موضع ایدئولوژیک دارد، در مقابل مذهبیین يك موضع ایدئولوژیک، در سطح جنبش يك موضع و در محافل خصوصی و همکاری با گروههای دیگر يك موضع دیگر. اگر برخورد شما با مقوله ایدئولوژی و مارکیسم - لنینیسم این چنین است که ما واقعا هیچ حرفی در این کار نمی توانیم باشما داشته باشیم. در این برخورد شما هر مجموعی

پارسی از صفحه قبل:

۱- در اینجا لازم است گفته شود که در صورتیکه عناصر و گروههایی فرضا یادداشتن هويت مشخص ایدئولوژیک هیچگونه مرزندی ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی یا گروهی دیگر در این جبهه و یا با کل این جبهه اتخاذ نکرد، باشند، اولاً این را نمی شود گفت اتخاذ موضع ایدئولوژیک و بعلاوه و مهمتر موضع ایدئولوژیک اعلام نشد. این عناصر و گروههای بی نام و نشان هرگز نمی تواند بجای موضع سازمان تلقی شود. مواضع کلی سازمان راهمان نشریه و ارگان رسمی آن تعیین می کنند و ما هم یا شما بعنوان مسئولین سازمانهای جبهه ملی ایران در خاورمیانه تماس می گیریم و نه با عناصر و گروههایی که هیچگونه نام و نشانی از آنها نشنیده ایم.

۱- این گفته نمی تواند يك خطای لفظی و یا نظریک رفیق باشد چرا که صرف - نظر از صریح و روراست تر بودن رفیق گویند، آن، از آنجاکه مواضع و شکل فعالیت - های شما آنها کاملاً تأیید میکند می تواند مواضع واقعی شما را بنمایش بگذارد.

می‌توان یافت جز مارکسیسم - لنینیسم. اگر این برخورد شما با مقولاید تولوزی و مارکسیسم - لنینیسم آگاهانه باشد یعنی یازیمه قرار دادن مردم، جنبش‌دانشجویی، مذهبیون و سازمانهای انقلابی و همچنین تنزل دادن مارکسیسم - لنینیسم تا حد پست‌ترین و پدیده‌ترین نوع آیدتولوزی ناجر مسلکانه و معامله گزانه خرده بورژوازی است. و اگر یا خوش‌بینی، نا آگاهانه فرض کنیم آنگاه باید با شما بر سر الفبای مارکسیسم لنینیسم بر سر ابتدائی‌ترین، بدیهی‌ترین، مسلم‌ترین و عام‌ترین اصول مارکسیسم - لنینیسم گفتگو کنیم. و آنوقت با این چنین برخوردی با مقوله آیدتولوزی با گفتن اینکه: "جمع‌مضوری دارد که سازمان مجاهدین اعلام کنند که دارای دو هسته مستقل مارکسیستی و مذهبی است." بی‌ماه توجه می‌کنید که مردم دروغ‌گوئیم.

باین ترتیب بنظر ما شما در همین حال که تشکیلات خودتان را بعنوان یک سازمان سیاسی - انقلابی معرفی میکنید، اولاً از انجام اصلی‌ترین، مهمترین و بدیهی‌ترین وظایف یک سازمان انقلابی که همانا مبارزه فعال سیاسی انقلابی در بین خلق باشد طفره رفتناید و علاوه در سطح جنبش و در ارتباط با سازمانهای انقلابی، در مورد هدفهای سیاسی، مواضع آیدتولوزیک، سیاسی - سازمانی خودتان به تناقض‌گویی افتاد ماید و روشن نکردید که بالاخره این تشکیلات سیاسی، خط‌مشی سیاسی - استراتژیکش چیست و چه فعالیت‌هایی تاکنون در این جهت انجام داده و چه چهارچوبی برای هدفهای سیاسی خودش انتخاب کرده است. با این توضیحات برای ما روشن بود که حتی کوچکترین برخورد اصولی و جدی ما با شما (بنده برخورد های محفلی - لیبرال متشانه و سازشکارانهای که در خارج از کشور رواج دارد) بلافاصله با این تناقضات و ابهاماتش که برهوت آیدتولوزیک - سیاسی - سازمانی شما سایه افکنده بود برخورد می‌کرد و لاجرم روابط سازمانی و پر - خورد های مانعی توانست بصورت سالم و انقلابی ادامه پیدا کند و نتیجتاً بلافاصله بعد از تحول آیدتولوزیک سازمان و در همان اواخر (اواخر سال ۵۳) که در اضماعین تحول به ارگان خارج از کشور سازمان، کشید، شد و به نوسازی و ترمیم این ارگان و

حاکمیت معیارهای نوبن ولس منجر شد، روابط ما هم با شما دستخوش این تغییرات شد و صورت تعلیق درآمد. این ابهامات و تناقضات تا حدی بود که حتی جواب دادن به نوشته اوت ۷۵ شماره در باره تغییر ایدئولوژیک سازمان اظهار نظر کرده بود، علیرغم وظیفه مشروط ما (مشروط به مجرمه مطلقا) در جواب دادن به آن و علیرغم ضرورت برخورد یا نقطه نظرات غلط و انحرافی ای (البته بنظر ما) که در آن نهفته بود، الزاماً تا زمانیکه مواضع ایدئولوژیک سازمان شاروش نمی گشت و با این ابهامات و تناقضات بطرفی برخورد نمی شد، بطور مستقیم^(۱) ناممکن می گردانید.

شما بنام سازمانهای چپه ملی ایران در خاورمیانه مطالب و سئوالاتی مطرح کردید و چون جواب دادن و چگونه جواب دادن بعاین سئوالات دقیقاً منوط به این می شد که سازمان شما از چه نوع سازمانی باشد، خودتان از آن چه تلقی داشته باشید، موضع ایدئولوژیک این سازمان و محتوای ایدئولوژیک مبارزه این سازمان چه باشد، چه استنباطی از یک سازمان انقلابی و وظایف آن داشته باشید، از یک سازمان صنفی-سیاسی و وظایف آن چطور، چه تفاوتها و مرزبندیهای بین این دو نوع سازمان قائل باشید، انعکاس این مرز بندی در برخورد با سائل جنبش و از جمله در برخورد با سئوالاتی که کرده بودید چگونه باشد، رابطه این سازمانها (سازمان انقلابی و سازمان صنفی-سیاسی) از جمعوانیتش پیروی کنند و ۰۰۰ که مسلماً در صورتیکه مواضع شما پرابهام باشد و یاد رک نادروستی از این اصول داشته باشید دیگر جواب ما الزاماً آن چیزی که شما خواهاش بودید نمی توانست باشد. هم اکنون یا توجه به توضیحات بالا به سئوالات راصلی ترین و مهمترین مطالبی که شما مطرح کرده بودید جواب می گوئیم.

۱- ابتدای پردازش به امور دانشجویی، صادر همان مذاکره شفاهی^(۲)

۱- از این جهت می گوئیم بطور مستقیم که ماتئیر و تحول سازمان را بصورت جامع آن در سطح جنبش مطرح کردیم و جواب این نوشته شما طبقاً در آن نهفته بود.

۲- البته استنباطات مانده صرفاً بنا بر اظهارات شفاهی صادر "T" می باشد.

سئوالات و مطالب زیر مطرح کرده بودید که: «تظران نسبت به کارها و فعالیت های ما چیست؟ چه ایراداتی نسبت به کار ما در خارج میانه و اروپا دارند؟ چرا با ما صحبت نمی کنید تا ببینید نظرها ما چیست؟ چرا ما نباید بدانیم که سیاست دانشجویی شما چیست تا بر طبق آن عمل کنیم؟ آیا اگر روزی سیاست دانشجویی ما غلط از آب درآید این سؤال جاندار دارد که از شما بشود که چرا با ما صحبت نکردید؟ آیا علت تماس نکردن شما اختلاف اید یا پولویک با ما و گرایش ما توئیستی شما نیست؟ چرا با ما چه افتاد؟ آید و یا اینکه فکر می کنید ما با شما چه افتادیم و بالاخره اینکه چه پیشنهاداتی بطمسور مشخص نسبت به کار ما دارید؟ بهترین راه حل از نظر شما چیست؟ راه حل دوم و چند اقل آن کدام است؟» در اینکه ما باید وظیفه خود را بدانیم که بتدریج با جنبش ما - دانشجویی و با بخشهای مختلف مبارز آن و از جمله سازمانهای که شما احتمالا نمایندگی آنها را مستقیماً بعهده داشته باشید، هر چه وسیعتر ارتباط سیاسی - تشکیلاتی برقرار کرده و ارتباط ما بین جنبش را با جنبش انقلابی و در رأس آن جنبش مسلحانه و برای تثبیت و استحکام بیشتر آن، مستحکم کنیم، اصولاً حرفی نمی تواند باشد و تا بحال با توجه به وظایف گسترده ای که بعهده ما بود ما است نسبت به این وظیفه نیز، به تنهایی سبب نیروی توانی که داشتیم، اهتمام داشته و داریم و همواره آماده هستیم با اتحادیه های دانشجویی که هدف حمایت از مبارزه سیاسی - انقلابی خلق را برای خود انتخاب کرده اند، برخورد فعال بنمائیم و با اجرا تا بحال در این مورد یا شما تماس نگرفتیم؟

فناح «علتش چیست؟ ما می پرسیم باید با چه کسانی دوباره امور دانشجویی صحبت کنیم و نظریه هم؟ با سازمانهای جنبه ملی ایران در خارج میانه که خود را سازمانی سیاسی مجرد از سازمانهای دانشجویی معرفی میکنند و یا مستقیماً با خود سازمانها یا اتحادیه های دانشجویی؟»

بلکه بر مجموعه مواضع سیاسی - سازمانی - ایدئولوژیک و عملی شما مبتنی است.

شما مگر برای خودتان يك هويت مستقل سياسي - ايدئولوژيك قائل نیستید ؟ در این صورت دیگر صحبت ما با شما بر سر امورد انشجویی جمع نمائیم می تواند داشته باشد (در اینجا منظور ما آن گفتگوی آن خط مشی واحدی که مثلا دو سازمان انقلابی درباره يك مسئله اجتماعی و مبارزاتی و مسائل جنبش های تودمائی اتخاذ می کنند ملسا می تواند باشد) .

وظایفی که ما در قبال جنبش دانشجویی داریم علی القاعده نباید از کاتال يك سازمان سياسي دیگر عملی شود . این وظیفه ما مستقیما باید از طریق خود اتحادیه های دانشجویی عملی شود و شما هم با ما در سطح جنبش نه ظاهرا بعنوان يك اتحادیه و یا اتحادیه های دانشجویی بلکه بعنوان يك سازمان سياسي تماس می گیرید و برخورد می کنید . حال اگر مضمون فعالیت و مبارزه این سازمان سياسي (یعنی جبهه ملی) دقیقا همان وظایف و فعالیت های صنفی - سياسي و در اینجا همان وظایف يك سازمان دانشجویی ضد رژیم است این دیگر بخود شما و به آن تناقضی که در بین سازمان شما وجود دارد بر می گردد و همین تناقض اساسی است که رابطه شما با يك سازمان انقلابی هم خدشه دار می کنند . تصور نشود اگر شما چنین درخواستی نمی کردید و ما مطرح نمی کردید در واقعیت امر کوچکترین تغییری حاصل می شد زیرا مسئله بر سر استقرار و یا انکار و تجاهل این مسئله نیست مسئله بر سر مضمون اجتماعی فعالیت و مبارزه ایست که به سازمان شما نوعا ماهیتی می بخشد و شما چیز دیگری می خواهید نشان دهید . شما از يك طرف نه مشخصا يك سازمان سياسي - انقلابی را دارید و در پراتیک مبارزه در بین خلق شرکت دارید که شما را (مطابق بدیهی ترین تعاریف مارکسیستی) يك سازمان سياسي - انقلابی بدانیم و یا شما در چنین کادری در باره جنبش دانشجویی خارج از کشور بیگتو بنشینیم و مثلا در این باره به سیاست واحدی برسیم و نه خود را اتحادیه دانشجویی می دانید که این وظیفه را در مقابل ما قرار دهد که با شما در چنین کادری برخورد فعال بنمائیم . حال اگر این مسئله سرد را ز

داشته باشد و اساساً جنبش دانشجویی مادر خارج از کشور در چنین کلاف سردرگمی در رابطه با سازمانهای سیاسی خارج از کشور گرفتار شده و به تفرقه و تلاشی کشیده شده باشد، این دیگر ساده لوحانه نخواهد بود که صادر یاره جزئیات شیوه ها، تاکتیکها و این یا آن اشتباه این یا آن گروه اظهار نظر کنیم و نظر بدیم؟ در این صورت وظیفه ما مسلماً این نخواهد بود که بدون توجه به انحرافات و تناقضات اساسی، ایرادک های شما و یا فلان گروه را بشماریم و این نخواهد بود که در همین بافت موجود و با قبول همان تناقضات و انحرافات اساسی که بعقیده ما ریشه های اصلی ناپسندمانی های جنبش دانشجویی هستند به صحبت بشتیم و نظر بدیم. بلکه در این صورت و بعنوان اولین گام این خواهد بود که با ماهیت بحرانی که در جنبش دانشجویی می خارج از کشور وجود دارد برخورد کرده و ریشه های آنرا که بعقیده ما دقیقاً در بطن تناقضات و انحرافات و ادعاهای سازمانهای خارج از کشور وجود دارد روشن کنیم، و همچنین با سازمانهای سیاسی خارج از کشور بعنوان مسئول اصلی سرگردانی، تفرقه و انحراف جنبش دانشجویی از حرکت اصول خودش بسوی گروهی گری، جاه طلبی، رهبری طلبی این یا آن سازمان سیاسی برخورد یک کنیم.

این برای ما روشن بود که برخورد با مورد دانشجویی در خارج از کشور نمی توانست با قبول وضع موجود و صرفاً با دادن چند رهنمود رفتاری و در ابتدا از طریق سازمانهای سیاسی انجام گیرد. ما در ابتدا میبایست مستقیماً با خود جنبش دانشجویی و اعضای اتحادیه های آن هر چند که فعلاً به اشکال مختلف وابسته به این سازمانها باشند، برخورد کنیم. تعیین ترتیب مابریان شدیم که مواضع و نقطه نظرات خودمان را نسبت به ماهیت این بحران و ریشه های اساسی آن ارائه داده سپس آماده شویم با تمام آن سازمانها و گروههایی (چه سیاسی و چه دانشجویی) که با احساس مسئولیت با آن برخورد فعال کرده و مواضعشان را نسبت به آن روشن کنند و پساً بخواهند حول آن بگفتگو بشتینند تماس فعال برقرار یک کنیم. ما این نقطه نظرات را

بطور کلی در همان پیام کعبه بخشی از کشف راسخون فرستادیم مطرح کردیم * هم - اکنون ما از شما (شما هر چه که خود را می نامید) نظریه شمای که از ما می پرسید که چرا در امور دانشجویی با شما صحبت نمی کنیم و نظراتمان را نسبت به کارهای شما نمی دهیم (سؤال می کنیم چه نقطه نظرانی در این باره ارائه دادید؟ چه برخوردی فعلی می نمودید؟ چه انتقاداتی نسبت به آن داشتید تا با شما بگفتگو بشنیم و دوباره نظر بدویم * شما بجای اینکه مسئولانه با این مسئله برخورد کنید و توجه کنید که ما کنگره ای که تشکیل شده چگونه برخورد کرده است * چه تحلیلی نسبت به بحران دانشجویی ارائه داده شده است و چرا پیام خطاب به اعضای اتحادیه ها داده شده است * همچنان خود را به کوجه علی چپ زدید که بلبه سازمانهای انقلابی داخل از کنگره تشکیل شده حمایت کردند و بعد هم تازه می پرسید که ایرادهای ما نسبت به کار شما چیست و چرا تا بحال در امور دانشجویی با شما صحبت نکرده ایم !!

آری رفقا مسئله اساسی علت اساسی نه بر سر چپ افتادن با شما (تصوری که می - خواهد اختلافات اصولی را در پس دشمنی ها و دعوای شخصی * بر سر این یا آن مافع ماست مالیزه کنند) و نه بر سر اختلاف "ایدئولوژیک" با شما آنطور که شما گمان بردید (تصویری که من بنده می خواهم اختلافات اساسی و محتوای ایدئولوژیک برای دنیای ما را بر سر این که شما برای ما مال نشدید^(۱)) (تصویری که ضوابط و قوانین و اصول انقلابی را از دریچه تنگ معامله کوتاه و تاجر مسلکانه خرده بورژوازی نگاه می کنند) و نه به دلیل اعلامیه ای که به امضای یکی از اتحادیه های دانشجویی * وابسته به شما علیه شهدای سازمان ما و طبعا جنبش داده شده بود * (که خود داستان جداگانه ای

۱ - اشاره به صحبت شما از مذاکره باریق ما در "T" *

* در برخورد بعدی با این اعلامیه متوجه شدیم که اعلامیه به امضای کفدرال - سیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی * بوده است *

د آورد که فعلا جای اینجان نیست) چرا که روابط ما با شما و مواضع مانسبت به امور دانشجویی قبل از این اعلامیه اتخاذ گردیده بود بلکه برسر مسائل بسیار اساسی تر مربوط به تناقضات اصولی موجود در پایه های ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی شما و علاوه بر آن وحتى در همین حال بر سر عدم برخورد فعال و عدم پاسخگویی شما نسبت به مواضعی بود است که مانسبت به امور دانشجویی اتخاذ کرده بودیم این بود آن علت اساسی که مانسبت توانستیم با شما درباره امور دانشجویی هم تاروشن شدیم مواضع سازمانی شما در این باره و یا خواست شما برای روشن کردن این مواضع تماس برقرار کنیم. با توجه به مطالبی که گذشت روشن است که ماهواره آماده هستیم با تمام سازمانهای مبارز دانشجویی خارج از کشور و با شما در صورتی که مستقیما نمایندگی بعضی از این سازمانها را بعهده داشته باشید و آماده باشید مواضع سازمانی خود را در این باره بصورت مشخص روشن کنید تماس گرفته و گفتگو کنیم. ما از این امر بدلیل وظایفی که نسبت باین بخش از جنبش در خود احساس میکنیم استقبال کرده و اهتمام خود را برای ارتباط فعال با تمام سازمانهای مبارز اعلام می داریم.

۲- و اما در مورد رادیو: شما به رفیق ما گفته بودید که گویا ما در مورد رادیو موضوع گفتارستی داشته و شما هر چه التماس کردید بجائی نرسید و ما حاضر نشدیم با شما هم کاری کنیم و اینکه انتقادی که بعدا ما بخودمان در مورد قبول همکاری با شما را ابتدا کردیم در حقیقت توهین بشما بود است.

در اینجا جا دارد سؤال شود که چرا ما علیه اینک هم اکنون ارتباط سیاسی با توده های زحمتکش اصلی ترین جهت گیری جنبش مسلحانه پیشناز را تشکیل می دهد و رادیو بعنوان يك نیاز مهم و حیاتی برای جنبش مسلحانه پیشناز مطرح است و اینکه در شرایط ایران رادیوی توانمند ارتباط بسیار مساعدی را از نظر تأمین نیازهای حیاتی ارتباطی و حل مسائل امنیتی و تاکتیکی بین ارگانها و عناصر مختلف در سازمان تشکیل دهد با وجود این حاضر نشدیم در چهارچوب مورد نظر شما در

امکانی که بهر دلیل فعلا بدست شما افتاده است (که ظاهراً گویا صرفاً بکوشش شبانه روزی شما فراهم آمده است) با شما همکاری کنیم. - دلیلش بسیار روشن بود و همانوقت نیز به شما گفتیم، شما در قبال این امکان توقعاتی داشتید که از نظر ما نادرست و غیر اصولی بود.

مارکس و زمامی به سران حزب سوسیال دمکرات آلمان نوشت: «اگر متحد شدن را لازم می دانید پس بیخاطر برآوردن مقاصد عملی جنبش قرار دادهای ببندید و پس پرنسیپ فروشی را رها کنید و گذشتههای تئوریک نگنید.» (بقل از چه باید کسر کرد) رفقا شما خواهان آن بودید که بعنوان یک پای مستقل در کمیته برنامه ریزی خستسبب تبلیغاتی را دیو در کنار سازمان ما و سازمان چریکهای فدائی خلق شرکت داشته باشید. بنظر ما این چیزی جز پرنسیپ فروشی، زیرا گذاردن اصول، فدا کردن منافع جنبش و چسبیدن به منافع جزئی نمی توانست باشد. مسئله تبلیغات و خط مشی تبلیغاتی جنبش دقیقاً از نقطه نظرات ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی می تواند مایه بگیرد که این نقطه نظرات در گروان عمل آبدیده شده و در جریان مبارزه تصفیه و ارتقا یافته باشد. مسئله تبلیغات برای جنبش از نظر ما بهیچوجه جدا از خط مشی استراتژیک جنبش نمی تواند باشد. آن ایدئولوژی و نقطه نظری که بهر دلیل نمی تواند برای جنبش تئوری پیشرو انقلابی ارائه دهد نمی تواند خط مشی استراتژیک جنبش را بریزد. بهمان دلیل نمی تواند خط تبلیغاتی ای که ناظر بر همین تئوری پیشروی باشد، ارائه دهد. (۱) آن سازمانها و عناصری که بهر دلیل (توطئه و یا ماهیتاً) نمی توانند در رهبری جنبش قرار بگیرند، بهمان دلیل نمی توانند خط مشی

۱- باین ترتیب هرگونه موضع یا عملی که موزینند، بهمانند گورو اخذ شده در ساختن و شباهتی را در مورد مواضع این سازمانها در سازمان جنبش ایجاد کنند نه بضع خلق و مبارزه آن بلکه به ضرر جنبش انقلابی خواهد بود. بر این اساس است که ما نسبت به شرح کت خود در مباحثه «اعلامیه مشترک به تاریخ ۷۵/۲/۵» بنسبیت سالگرد تجاوز نیروهای ایرانی به عمان انتقاد داشته و آنرا عملی در جهت مخدوش ساختن این مرزها میدانیم.

تلیخاتی برای جنبش عرضه کنند. خط مشی تبلیغاتی جنبش از همان نقطه نظراتی و در همان شرایطی می تواند مایه بگیرد که خط مشی استراتژیک و تئورهای پیشرو و انقلابی جامعه از آن مایه می گیرد. نتیجه زیرپاگذاردن چنین اصولی این خواهد شد که ده ها نقطه نظر غلط و انحرافی که می تواند بدآموزهای زیادی در پهنه جنبش بیار آورد وارد جنبش شود. اگر این درست است که تئورهای درست و نقطه نظرات درست می تواند تبدیل به نیروی مادی شود و انرژی ها و استعداد های زیادی را از خلق آزاد کند. در جهت ضایع جنبش یگارانند. این هم درست خواهد بود که نقطه نظرات غلط و انحرافی در صورتیکه میدان داده شوند می توانند انحرافات و سر درگمی های زیادی در سطح جنبش بوجود آورد و نیروهای زیادی را به هرزروی و انحراف وین بست بکنند. فکرمی کنیم در این گونه موارد احتیاج به آوردن نمونه باشد. و یا اینکه اچنانا گفته شود تجربه کنیم ببینیم چه می شود و قبل از آن دم از ورود نقطه نظرات غلط و انحرافی در جنبش نزنیم. این درست مثل اینستکه ما چیزی را بر پایه های نامناسب و ناسالمی بنا کرده باشیم و سپس ببینیم چه نمود هایی بر آن عارض می شود تا در صد رفع آن باشیم. با این توضیحات و یا توجه به مشخصات سازمان شما طبعا مانی توانستم شمارا بعنوان يك پای مستقل در کیت برنامه ریزی خط تبلیغاتی را دیو (یعنوان يك اسکان تبلیغاتی برای جنبش مسلحانه پیشنهاد) قبول کنیم و بدین وسیله هم اصول انقلابی را زیرپاگذارد و باشیم و با اصول معامله کرده باشیم و هم دقیقاً به همین دلیل مجبور شوم در يك رابطه اساساً نادرست بر سر ده ها موارد جزئی و کلی چک و چانه بزنیم. در حالیکه اشکال اساسی بر سر چهارچوب اساساً غیر انقلابی این همکاری بوده باشد. بنابراین ما یا جمع بندی مجدد در مسئله مربوط به چهارچوب همکاری خودمان با شما محرف اولیه خود را پس گرفتیم و به مواضع اولیه خود در قبول همکاری با شما در چهارچوب پیشنهادی شما بخود انتقاد کردیم. این انتقاد ما بخودمان در عین حال حاوی انتقاد اساسی تری به رفقای چریکهای فدائی خلق.

در مورد قبول و اصرار بر چنین چهارچوبی بود که همان موقع با خودشان مطرح کردند. بنا بر این مسئله در اینجا نیز باز بر اصول «برسرچگونگی همکاری و برسر چهارچوبی بود که این همکاری را می توانست بر اساس اصول انقلابی قرار دهد و نه نفع و ضرورت همکاری» مادر همان موقع در عین حال مطرح کردم که شما می توانید و باید بطور فعال در رادیو شرکت داشته باشید ولی البته با نظارت و هدایت سازمانهای انقلابی داخل ولی شما انتظارات و توقعات نادرستی در مورد رادیو داشتید که عملاً می خواستید با ما بر سر یک امکان جنبش که فعلاً بدست شما افتاده بود معامله کنید، و این از نظر ما به هیچ وجه نمی توانست قابل قبول باشد و لولاینکه با اصرار شما روی شرایطتان و قبول آن از طرف رفقای فدائی (تحت هر عنوان) منجر به عدم شرکت مادر رادیو شود که در عمل هم سرانجام اینطور شد. ما همانطور که قبلاً نیز گفته ام معتقدیم تمام سازها - نهاد و گروههای خارج از کشور و از جمله شما تا زمانی که در خارج از کشور قرار دارند و حمایت از مبارزه سیاسی - انقلابی خلق را اساس کار خود قرار داده اند و وظیفه دارند تمام امکانات خودی و یا امکاناتی که بهر حال در رابطه با جنبش انقلابی از منابع مختلف کسب می کنید (فعلاً بگذریم از اینکه چگونه و باعتبار چه سرمایه ای کسب میکنید) و از جمله رادیو، بدون قید و شرط در اختیار جنبش قرار دهید و خود بعنوان پشت جبهه در ارتباط مشخص یا سازمان و یا سازمانهای انقلابی قرار گرفته و نیازمند آنها آن را در حد توانتان تأمین کنید. اینکه شما در چنین چهارچوبی تابعال وظیفه خودتان را انجام داده باشید یا نه از آنجاکه مشخصاً در ارتباط با رفقای فدائی بود ما به چهارچوبی برسی کردیم که بر روابط شما حاکم بود ما است و فعلاً ما به دلایل مختلف لازم نمی بینیم وارد جزئیات و چگونگی حمایت شما از جنبش ملعانه و چهارچوب هم کاری شما بشویم. فعلاً آنچه مربوط به مسئله رادیو (یعنی آن چیزی که به ما مربوط می شد و ما در جریانش بودیم) می شود اینست که همکاری نکردن ما با شما در چهارچوب پیشنهادی و همچنین انتقاد ما به رفقای فدائی در قبول چنین شرایطی برای هم -

کاری، مسلماً حاوی انتقاد مشخصا روشنی به شما در مورد توقعات و انتظاراتی است که در قبال در اختیار گذاشتن امکانات جنبش، مستقیم و غیر مستقیم، چه رنک و صریح و چه در پوشش همکاری و فعالیت مشترک تبلیغاتی، برای جنبش صلحانه پیشتان تعیین کردید. ما در اینجا دیگر لازم نمی بینیم درباره این گفته شما که ما در رادیو موضع سکتاریستی داشتیم و یا انتقاد ما بخودمان در واقع نوی توهین به شما بود است، توضیح بیشتری بدهیم، توضیحات بالا می تواند نشان دهد که تصور شما بنی بر سر خورد "سکتاریستی" ما در رادیو و یا "توهین" به شما باز هم ناشی از تلقی برخورد نادرست شما از موضع خودتان در سازمان جنبش و ناشی از درک نادرست شما از سازمان انقلابی، سازمان مان پشت جبهه و روابط بین آیند و وظایف هر کدام می تواند باشد. و گزینه نیکه و یافتاری روی اصول حتی تا آنجا که به قطع همکاری هم بگردد هرگز به معنی برخورد سکتاریستی و یا توهین بدیگران نمی تواند باشد.

و اما درباره مطالبی که در نامه ۱۴ مه شما آمده است:

۳- در مورد سئوالاتی که از ما برای اتخاذ موضع نسبت به تحولات سازمان ما

نموده بودید:

اولاً، مگر شما در "پاکتر امروز" به تاریخ اسفند ۵۴ مواضع خود را به نوبت نسبت به این مسئله بیان نکردید. این مواضع بنظر ما علیرغم تمام مانورهایش در پشت اسرور دانشجوئی و علیرغم اینکه زبان کس دیگری در این میان به عاریه گرفته شد، بود بهر حال می شد مواضع شما را از پای پوشش ها و لغافه های آن براحس بیرون کشید. آیا مگر این مواضع شما از نظر خودتان متعهدانه و مسئولانه نبود، است که هم اکنون برای اتخاذ مواضع مسئول و متعهد، جواب این سئوالات برایتان همچنان مطرح است؟ اگر اتخاذ مواضع مسئول و متعهد از نظر شما منوط به روشن شدن این سئوالات بود، بنابراین طرح سئوالاتی از زبان این و آن و همصد با آنان و به نوبت بنمایند. گی از آنان و بی روی هشدار دادن به تمام نیروهای جنبش (وای بحال ما!) - سئوالی

که قبل از اینکه سؤال باشد اعتراض و اتخاذ موضع مشخص است - دیگر چه معنی می دهد؟ اشتباه نکید ایراد ما به موضع گیری شما نیست. اگر ایرادی در این زمینه باشد نسبت به عدم شجاعت و برخورد غیر صریحی است که در این مانور شما نبوده است. منظور ما در اینجا اشاره به همان تناقض بین این موضع گیری بنظر ما مشخص (بهر شکل و بهر حالتی) با تقاضای بعدی شما در این بر جواب به سؤال استان برای موضع گیری متعهد و مسئول است.

ثانیا اگر برای شما بعنوان يك نیروی اپوزیسیون (؟) ضرورت برخورد یا تحولات سازمان ما مطرح شده است، با توجه به استقلال ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی^ی که برای این نیروی اپوزیسیون قائل هستید، این نیرو باید بتواند و قدرت این را داشته باشد که يك جریان سیاسی - اجتماعی و يك سازمان انقلابی را با توجه به تاریخچه ما شکل دهد. نقطه نظراتش و فعالیتهايش در گذشته و حال تحلیل کرده و حتمی آینده آنرا هم بطور کلی پیش بینی کند و نه اینکه شناخت او ناگهانی و بر اساس سؤال و جوابی از آن سازمان و یا حتی صرفا بر اساس آن گفته هایی باشد که خود آن سازمان درباره خودش می گوید. شما اگر در طی چندین سال، این سازمان را با ابعاد مختلف فعالیتش، نقطه نظرات ایدئولوژیک - سیاسی و هدف های سیاسی ای که مطرح کرده بود، شناخته باشید، چطور می خواهید بایکی دو سؤال ناگهان به تحلیل همه جانبه از تحول این سازمان دست یابید تا فرضا نسبت به تغییرات آن، موضع متعهد داشته باشید. صرف نظر از این ما در حد ضرورتش مسائل مربوط به این تغییر و تحولات را در بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک سازمان آوردیم. اینکه این بیانیه تا چه اندازه می تواند این تحول را بشماردشان دهد به شناخت شما از ماهیت این سازمان، نقطه نظرات ایدئولوژیک - سیاسی آن در قبل برمی گردد. ما معتقدیم برای تمام گروهها و عناصری که توانسته بودند سازمان ما، نقطه نظرات ایدئولوژیک - سیاسی گذشته ما را که در سطح جنبش مطرح شده بود، درک کرده

حرکت آنرا نیز در خلال فعالیتهای این سازمان، انتشارات، تبلیغات، کمیته‌های نظامی و غیره در طول چندین سال، ببینند تحول سازمان و اندیشه راهنمای آن است - تنهایی توانست برای آنان غیر مترقبه باشد بلکه به راحتی می توانست از قبل بصورت کلی پیش‌بینی هم بشود، و در این صورت بیانیه اعلام مواضع می توانست سیمای بسیار مشخصی از چگونگی این تغییر و تحول سازمان را به آنان ارائه دهد. حال اگر با ز برای شما روشن نشده باشد، تأسفاته از ماجزاینکه به آن فقدان شرایط اساسی ای که نه صرفاً به عدم درک این مسئله بلکه عدم قدرت برخورد با عمده مسائل اساسی جنبش انقلابی و باعث می شود، توجه دهیم کاری ساخته نیست و جواب ما هم یک سؤال شمانه برای اینکه "آیا در مورد وحدت تام با رفقای فدایی ۰۰۰ بطوریکه د و سازمان تواما راه حلی برای مسائل بیابند" صرف نظر از اینکه اصولاً جواب به این سؤال فعلاً مربوط به شمانه تواند باشد و ما هم به دلیل همان ابهامات، تعهدی نسبت به جواب دادن آن آنطور که مورد نظر شماست در خود نمی بینیم، چیزی را هم برای شما نمی تواند حل کند.

ثالثاً، شامی نویسد: "با در نظر گرفتن اینکه ضرورتاً ابراز نظر مشخص ما بعنوان یک سازمان اپوزیسیون در مقابل رویداد های اخیر جنبش انقلابی ایران و منجمله تغییرات و مسائل سازمان مجاهدین ۰۰۰ هر روز بیشتر می شود، ما هم پرسم این سازمان اپوزیسیون که شما نام می برد چه نوع سازمانی است که ضرورتاً ابراز نظر مشخص درباره ۰۰۰ برایش مطرح شده است اما سازمان اپوزیسیون داریم تا سازمان اپوزیسیون. سازمان اپوزیسیون طیف وسیعی از انواع سازمانهای صنفی، سیاسی و اتحادیه‌های ضد رژیم گرفته تا احزاب و سازمانهای رفربستی و انقلابی یا مواضع مختلف ایدئولوژیک، سیاسی را در بر می گیرد. شما روشن نکردید این سازمان اپوزیسیون ما چیست، مواضع ایدئولوژیک، سیاسی اش که است. همانطور که گفتیم جواب دادن و چگونه جواب دادن به این سؤالات دقیقاً منوط به این می شد

که سازمان شما از چه نوع سازمانی باشد، خودتان از آن چه تلقی داشته باشید، اگر سازمان سیاسی - انقلابی است، مواضع ایدئولوژیک و مواضع سازمانی چیست؟ اگر ما زمان دانشجویی باشید چه مرزبندی‌هایی بین سازمان دانشجویی با سازمانهای انقلابی قائل باشید و رابطهای در نوع سازمان را ۰۰۰ چگونه بداند.

برای اینکه رك گزینی و صراحت ما را باز به پای دلخوری و پاتوهین بخودتان تلقی نکنید، به سئوالاتی که نمود ما بد توجه کنید. سؤال اول: "چه ضروری دارد که سازمان مجاهدین اعلام کنند که دارای دو هسته مستقل مارکسیستی و مذهبی است؟ تنها يك ضرورت کوچک! ندارد و آنها اینست که به مردم و به جنبش آشکارا دروغ گفتند، ما نمی توانیم يك سازمان با يك ایدئولوژی را بنام دو سازمان یا دو ایدئولوژی معرفی کنیم، شما به ما توصیه می کردید که يك مسئله اجتماعی و مبارزاتی را (یعنی حل مسئله ساز - مانی مبارزه خود، بورژوازی) با وارونه جلوه دادن يك واقعیت اجتماعی، و حرکت تکاملی يك پدیده سیاسی - اجتماعی در جامعه، که متقابلا با ارائه نتایج و دستاورد هایش به مردم و جنبش می تواند تغییرات نسبتا بزرگی در جامعه به وجود آورد (چرا که خود انعکاس این تغییر در بطن جامعه بوده است) حل کنیم، که این بنظر ما اساسا نادرست و غیر علمی و نتیجتا کاملا مضر و مخرب برای جنبش بود که توضیح و تشریح آن برای شما، علیرغم ضرورتش به دلایلی که گفته شد، ناممکن می گردید و یاد رسؤال دوم شما می گویند: "آیا در مورد وحدت نام با رفقای فدائی ۰۰۰، مسئلهای ایدئولوژیکی و استراتژیکی وجود دارد ۰۰۰" فرض کنیم مسئلهای ایدئولوژیکی - سیاسی وجود داشته باشد، در صورت وجود داشتن حتما به دنبالش انتظار دارید که این مسائل را برایتان بگویم (چون جواب خشك و خالی که منظور نظر شما را بر نمی آورد) بنابراین جواب این قضیه این می شود که بیایم تمام مسائل قیامین دو سازمان تاریخچه روابط، نقاط اشتراك، نقاط افتراق، انتقادات متقابل و غیره را (چون در نهایت اختلاف ایدئولوژیکی و استراتژیکی و برخورد با همه اینها به دست می آید)

برای شما تشریح کنیم، که شما بعنوان يك سازمان اپوزیسیون (۹) بتوانید يك موضع متمهد بگیرید. حال اگر منافع جنبش اقتضا نکند، این نقاط نظر مورد اختلاف فعلا در سطح جنبش مطرح شود، (غیر از آن صورتی که خود سازمانها نقطه نظر ایشان را بصورت مشخص مطرح می کنند و بنظر ما سازمانهای سیاسی - انقلابی وحتى سازمانهای دانشجویی از این طریق باید بتوانند نقاط افتراق و اشتراك دو سازمان را دریابند) و این را همانظوری که گفتم شما نمی توانید تشخیص دهید، آیا نباید شما بگویم این مائل نمی تواند فعلا مربوط به شما باشد و یا اگر بگویم تعهدی نسبت به جواب دادن آن در خورد نمی بینم، آیا بمفهوم توهین به شماست - بنظر ما هرگز اینطور نیست.

۴- در مورد پخش مدارك سازمانی و یادنامه شهدای ما از رادیو که مطرح کرد ما آنچه مورد نظر ما بوده است عدم پخش مدارك از گذشته سازمان است که یا مشخصا حاوی نقطه نظرات گذشته سازمان بود و یا به نوبت نقطه نظرات گذشته را برای سازمان تداومی کند. این اساس خواسته ما در مورد پخش نشریات سازمان بود. این خواسته ما البته با استتباطی که در مورد خواندن یادنامه شهدا شده است و البته رفیق ما هم به اشتباه در همانجا آنرا تأیید کرده بود، کاملا مغایرت دارد. آنچه در درجه اول مورد توجه ما بوده عدم استتباط تا درست شنونده از ایدئولوژی سازمان به وسیله خواندن مدارك قبل از تحول است. و اما در مورد یادنامه شهدا سازمان که پرسیده بودید، روشن است از آنجا که این شهدا اعضا سازمان ما بوده اند، یادنامه آنان بعنوان عضو سازمان بجا هدین با ذکر نقطه نظراتشان ممکن است این تلقی را در شنونده به وجود آورد که هنوز سازمان دارای نقطه نظرات مذهبی است. بدیهی است در این صورت در کنار یادنامه و ذکر معتقدات این رفقای شهید مستلزم توضیح و تذکر گویند، در باره تحولات ایدئولوژیک سازمان بجا هدین می باشد، و به این ترتیب نه تنها در گروین جلوه دادن واقعیت و ذکر نکردن معتقدات شهدا مطرح

نیست که برعکس مطرح نکردن تحولات سازمان توأم با یادنامه این رفقاء می توانست واقعیت تحول سازمان را در ذهن شنونده دگرگون جلوه دهد. بهر حال برای هر گونه رفع ابهامی یکپارده دیگر ضوابطی که استفاده از مدارک سازمانی ما را در رادیو مجاز می شمارد در زیر می آوریم:

۱- هیچ گونه مدرک و یا نوشتنهای از سازمان بدون ذکر مأخذ و منبع آن خواننده نشود.

۲- مدارک و انتشارات سازمان بصورت تکه و پاره، منتخب و یا حذف قسمتهایی از آن که محتوای آنرا به توی دگرگون کند، (آنطور که در مورد گزارش تظاهرات طلاب علوم دینی آمده بود) خوانده نشود.

۳- مدارک گذشته سازمان (قبل از تحول ایدئولوژیک) چه آنها که مشخصاً حاوی نقطه نظرات مذمب می باشد و چه نباشد، بدون موافقت قبلی سازمان خوانده نشود. بدیهی است طرح نقطه نظرات افراد و شهدا گذشته سازمان، از آنجا که باعث استنباط نادرست از ایدئولوژی سازمان می شود، باید با توضیح کافی دربار تحول سازمان همراه باشد.

۴- بدیهی است هرگونه استثنا در موارد بالا و یا مواردی که ضرورت نقض ضوابط به بالا را ایجاب کند باید با موافقت سازمان باشد.

۵- در مورد تناقض بین ابرازات رفقای ما در باره تغییر ایدئولوژی سازمان و بیانیه اعلام مواضع ۱۰۰ سازمان که اشاره کرده بودید، بدون اینکه لازم باشد وارد صحت و سقم این تناقض عملاً بشویم، لازم است بگوئیم نقطه نظرات سازمان و مواضع اصولی آن، مواضعی است که در سطح جنبش انتخاب گردیده است و اگر اخیانت و بنا بر فرض استنباط رفیق یا رفقای یا نقطه نظر سازمان که در سطح جنبش انتخاب شده است نخواند، بدیهی است به نقطه نظر سازمان مربوط نمی شود و نقطه نظر سازمان همانست که در سطح جنبش مطرح شده است. تنها در یک صورت است که می تواند

مسئله‌ای به وجود آید و آن اینکه رابط و یا مسئولین سازمان آن نقطه نظر و آن مواضع را که مشخصاً در سطح جنبش مطرح شده است، بنام سازمان نمی‌کنند (و نه اینکه این یا آن استنباط را داشته باشند و یا بر قرض استنباط نادرستی از نقطه نظر سازمان داشته باشند) که در این صورت باید روشن شود که آیا نقطه نظر سازمان تغییر کرده است و یا اینکه مسئله دیگری مطرح است که آن هم مسئله ایست قابل حل. بهرحال چنین مواردی در مورد مواضع مانبوده است. همانطور که گفتیم نقطه نظرات و مواضع اصولی یک سازمان در محافل خصوصی و در ارتباطات سازمانی تعیین نمی‌شود. بلکه در سطح جنبش اتخاذ می‌گردد و اگر ما هم از شمای خواهم مواضع خود را در سطح جنبش روشن کنید و اتخاذ مواضع در گفتگوهای خصوصی برخلاف آن چیزی که در سطح جنبش اتخاذ گردیده نمی‌تواند ملاک و معتبر باشد، در همین رابطه است.

۲- در مورد توافق کتبی بعد از ملاقات ها که اشاره کرده بودید، هر زمان که تماس ما در یک رابطه سالم و انتقالی به جریان بیفتد و یا همانطور که تجربه نشان داد، در همین شکل غیر فعال هم ضرورت برخورد کتبی یا مسائل فی‌مابین وجود دارد، و ما هم از این امر استقبال می‌کنیم. در همین رابطه ما انتظار داشتیم شما بجای اینکه بدون خبر قبلی و در یک هیئت سه نفره با رفیق ما که خود ش مطرح کرد بود مشکل تماس با شما نیست و صرفاً می‌تواند حامل و رابط نقطه نظرات باشد، مذاکره بکنید لازم بود نقطه نظرات، پیشنهادات و انتقادات خودتان را بصورت مشخص و بصورت نوشته رد کنید تا ما بتوانیم بصورت مشخص تری با آن برخورد کنیم. به همین جهت اجباراً قدمش از برخورد ما با مطالب شما از طریق نوشته‌های که رفیق ما در مذاکرات شفاهی شما برداشته بود انجام گرفت. بدین است شمای نتوانید در صورتی که مطالبی عیناً رد نشده است و یا خد شمای به مفهوم آن وارد شد نامتوجه توضیحات و نظرات خود را مفصلاً چه درباره این گفته‌ها چه درباره تمام مسائلی

که لازم می‌بینید، برای ما بنویسید، ما هم متقابلاً کتبا جواب شما را خواهیم داد.

در اینجایبار دیگر اعلام می‌داریم که آنچه می‌تواند مقدمه و زمینه ضروری ارتباط فعال و همکاری ما با شما بعنوان سازمانهای جنبه ملی ایران (بخش خاورمیانه) را فراهم آورد همانند اعلام صریح مواضع ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی شما و خواست صادقانه تان برای تصحیح و توضیح ابهامات و تناقضاتی که بر سر دیم می‌باشند.

طبعاً در این راه مانیز از همکاری و کمک تا آنجا که در توان داریم دریغ نخواهیم کرد.

ما همچنین انتظار داریم مطالب این نامه را هم بعنوان گامی کوچک از طرف ما بعنوان پاسخ به وظایفی که در قبال شما و سایر نیروهای مبارز و جنبش انقلابی خلق ایران بعهدہ داریم، تلقی نمایید.

در پایان پیشنهاد می‌کنیم، این نامه را کلیه رفقاه کادرها و اعضا، سازمانهای جنبه ملی ایران - البته در صورتیکه مواضع سازمانی خاصی موجود نباشد - بمنظور توضیح دقیق مواضع کلی ما مطالعه نمایند.

مستحکم باد پیوند نیروهای مبارز خارج از کشور با جنبش

مسلحانه پیشتاز

برقرار باد وحدت اصولی کلیه نیروهای انقلابی

خلق مسیحا

* مسئولین امور خارج از کشور سازمان مجاهدین

خلق ایران *

۷۶ / ۸ / ۶۰

در حاشیه نامه ما به جبهه ملی

در نامه‌ای که ما به جبهه ملی در تاریخ ۲۶/۸/۲۰ نوشتیم، کوشش کردیم مواضع خودمان را نسبت به سازمانهای سیاسی و دانشجوش مبارز خارج از کشور توضیح داده و وظائف و چگونگی ارتباط آنان را با سازمانهای انقلابی داخل بطور کلی بیان کنیم. در این نامه ما همچنین به اساس ترین و اصلی ترین انحرافات و تناقضات موجود در هودیت آیدئولوژیک - سیاسی - سازمانی، سازمانهای جبهه ملی اشاره کرده و ببدون اینکه وارد در انحرافات و تظاهرات عملی این انحرافات و تناقضات در جنبش بشویم، آنها را نسبت به این انحرافات و تناقضات اساسی توجه دادیم و مواضع خودمان را نسبت به چگونگی ارتباط سالم و انقلابی با آنها روشن نمودیم.

در این نامه ما آگاهانه از بررسی چهارچوب همکاری و چگونگی اتحاد بین سازمانی چریکهای فدائی خلق ایران و جبهه ملی که بیان روشن چگونگی تأیید و حمایت جبهه ملی از جنبش مسلحانه و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بود، خودداری کردیم. چون معتقد بودیم بدون برخورد و انتقاد به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بحثی یک سازمان انقلابی و تشریح ضوابط همکاری انقلابی بر اساس اصول مارکسیستی - لنینیستی و فروزیختن پایه‌های تئوریک چگونگی این همکاری و خلاصه نشان دادن ما - هیت غیرانقلابی آن، بررسی آن با جبهه ملی نمیتوانست در آن زمان نتیجه‌ای بی‌آورد بخصوص اینکه برخورد با جبهه ملی میتواند توجه ما را از گرفتن حلقه اصلی منحرف نمود و نیروی محدود ما را در گرداب خود، کاری برخورد مستقیم با جبهه ملی تلف نماید. بهر حال ما معتقدیم که جبهه ملی صرف نظر از ماهیت کاسیکار و سلطه طلبش، تنها میتواند نقش ثانوی در این میان داشته باشد و به اعتبار روابط بسیار باز و عملا بی قید و شرطی که رفقای فدائی در اختیار آنان گذاشته بودند، نمیتوانست و نتوانست برای مدتی در مواضعی که شایسته آن نبود قرار گیرد.

همچنین مادرین نامه آگاهانه از برخورد با سواستفاده‌های که جیبه ملی از عنوان "سازمانهای جیبه ملی ایران" و مفهوم خاصی که از این عنوان در ذهن نیروها^۱ انقلابی منطقه القا نموده است و همچنین خرابکارها و تبلیغات مودیانش علی‌سازمان ما خود داری کردیم و موارد بیشتر شایعه پردازی و دروغ‌پراکنی آنها را مطرح نمودیم. در واقع ماسعی کردیم ابتدا از درون یک برخورد صرفاً شوریک با انحرافات و تناقضات موجود در اندیشه و عمل آنان پنهانیم^۲ از آنها در این مورد توضیح نخواهیم، درست و غلط را نشان بدهیم و فعلاً به انگیزه‌ها و تمایلات منشأ ایدئولوژیک^۳ - که در پس این مواضع انحرافی خوابیده است - بپردازیم. این شیوه برخورد مبتنی بر این تحلیل بود که اولاً در قبایل اعضاء و کادوهای جیبه ملی خود را متعهد بتوضیح مواضع خود میدانستیم و ثانیاً بدین وسیله امکانی فراهم می‌آوردیم که اگر فرض عناصری از سلا^۴ مت^۵ ایدئولوژیک در رهبری جیبه (۱) ملی باشد، جیبه بتواند در جهت تصحیح مواضع انحرافی خود گام بردارد.

این نحوه برخورد صرفتظور از اینکه یک برخورد مسئولانه و متعهدانه نسبت بیک جریان ضد رژیم آورده به انحرافات گوناگون^۶ محسوب میشود، در همین حال اجازه نمیدهد که یک و چانه زدن در جزئیات^۷ بر سر تظاهرات و موارد عملی انحرافات^۸ انتقادات اصولی و اساسی ما را به جیبه ملی^۹ تحت الشعاع قرار دهد.

اما از آنجا که جیبه در مواضع انحرافی^{۱۰} رنگارنگ و فرصت طلبانه خود همچنان به بندیازی ادامه میدهد و همش از آن^{۱۱} از آنجا که افشاء اقدامات ضد جنبشی جیبه ملی میتواند زوایای دیگری از انتقادات وارد به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را روشن نماید لازم دیدیم بهمهرا این نامه^{۱۲} نکات و مواردی را که در آن نامه به آنها

* - این "سلامت" طبعاً در چهارچوب مواضع ایدئولوژیک و عملی جیبه معنی پیدا میکند. سخن دیگر کم و کیف آن عبارتست از میزان آمادگی جیبه به عمل به آنچه که آنها میکنند.

۱ - پاروقیهای مشخص شد با شماره های مسلسل در آخر متن آورده شده اند.

اشاره نشد مویا سرعت از آن رد شد مایم انتشار داده و برخی نتایج زمانباز و غیره
 انقلابی روابط باز و غیر اصولی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را با جبهه ملی کسه
 در فعالیتهای خرابکارانه و مؤدیانه جبهه علیه جنبش تیزین انقلابی و بخصوص علیه
 سازمان ماتعکاس یافتن نشان دهم *

در این نامه درباره وظیفه جبهه ملی و سازمانهای خارج از کشور در حمایت
 از مبارزه انقلابی خلق و سازمانهای انقلابی چین م آید *

۰۰۰ ما همانطور که قبلاً نیز گفتیم معتقدیم تمام سازمانها و گروههای خارج از کشور
 و از جمله شما، تا زمانیکه در خارج از کشور قرار دارید و حمایت از مبارزه سیاسی - انقلابی
 خلق را اساس کار خود قرار داده اید، وظیفه دارید تمام امکانات خودی و امکاناتی که
 بهر حال در روابط با جنبش انقلابی از منابع مختلف کسب میکنید (بعلا بگرم از اینکه چگو
 و به اعتبار چهره و مایه ای کسب میکنید) و از جمله راد یوراید ون قید و شرط در اختیار جنبش
 قرار دهید و خود بعنوان پشت جبهه در ارتباط شخصی با سازمان و یا سازمانهای
 انقلابی قرار گرفته و نیازمندیهای آن را در حد توانائی شان تأمین کنید *

اینکه شما در چنین چهارچوبی تابع حال وظیفه خودتان را انجام داده باشید یا
 نه، از آنجائیکه مشخصات ارتباط با رفقای فدائی بود ماید به چهارچوبی بیرونگر
 که بر روابط شما حاکم بود، است و فعلاً ماید لایل مختلف لازم نمی بینیم وارد
 در جزئیات چگوئی حمایت شما از جنبش سلحانه و چارچوب همکاری شما بشویم *

* *

مارسا در جریان آن "چهارچوبی" که برای همکاری تعیین شده بود قرار ندا -
 شتم ولی نمود ها و شواهدی که در پهنه عمل مشاهده میکردیم، جوابات مختلف ایسن

* - در اولین تحلیل در دوین نامه مرکزیت "سازمان جاهدین خلق ایران" بیسه
 "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" ضوابط و چهارچوب ارتباط و همکاری اصولی یک
 سازمان انقلابی با سازمانی نظیر جبهه پتفصول مورد بحث و بررسی قرار گرفت است *

همکاری و همچنین انحرافات و سازشهای عظیم موجود در آن رامیتوانست نشان بدهد. در این بهینه مانده‌ها آن مرزهای سیاسی - ایدئولوژیکی که يك سازمان انقلابی بسا خط مشی معین را از يك سازمان صفتی - سیاسی بدون هویت مشخص ایدئولوژیک جدا میکند ندیدیم، بلکه شاهد تأیید عملی انحرافات و تناقضات موجود در اندیشه و عمل جبهه، با تمام آثار منفی و مخرب آن، از طرف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بودیم. در این همکاری و ارتباط نه تنها جبهه ملی در مواضع حقیقی خود شرفرار نمیگردد بلکه جبهه به اعتبار مواضع بسیار نادرست رفقای فدائی در خارج از کشور و در باغ سیزی که این رقابتهای جبهه ملی نشان میدهند، از این پس دیگر در پوشش حمایت از جنبش مسلحانه و منظور خاص سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و جلب همکاری و تأیید عملی این سازمان، از تکیه گاه مادی لازم نیز برخوردار شده و به انگیزه اتوریته و اعتبار ایمن سازمان چهارمحل در جهت منافع غیرانقلابی و کاسبکارانه خود بناخت و تازمی پرو دازد و هر آنجا که منافعش با منافع جنبش مسلحانه در تضاد قرار میگیرد به تبلیغات مودیانه و کارشکینهای خصمانه علیه آن میپردازد.

این چهارچوب همکاری که بنظر ما بیشترین معامله میماند تا يك قرارداد سیاسی و انقلابی، در مقابل امکاناتی که نصیب رفقای فدائی میکند، شرایطی فراهم میآورد که در سایه آن جبهه ملی میتواند از اعتبار جنبش در جهت مطامع و منافع غیرانقلابی خود سود جویی کرده و در بخشهای مختلف که فعالیت میکند، منافع جنبش را فدای گزایشات سلطه طلبانه و سوداگرانه خود نماید.

برای توضیح بیشتر لازم می بینیم چند مسئله را مورد بررسی قرار دهیم.

اول اینکه این امکانات که رفقای فدائی در قبال آن چنان بذل و بخششی از کیسه خلق نمودند چیست، به چه اعتباری تأمین شد، است و به چه بهایی بدست رفقای فدائی میرسد و سپس اینکه جبهه ملی درباره از مایه ازای این امکانات چه سو استفاده دهائی میبرد.

ما گفتیم در صورتیکه سازمانهای سیاسی یا صنفی - سیاسی خارج از کشور، و در اینجا جبهه ملی حمایت از جنبش خلق را اساس کار خود قرار داد مانند وظیفه دارند که تمام امکانات خودی و امکاناتی که از منابع مختلف کسب می کنند بدین قید و شرط در اختیار سازمانهای انقلابی قرار دهند* این وظیفه قیل از هر چیز در رابطه با الزامات و ملاحظات ناشی از محتوای سیاسی - ایدئولوژیک این سازمان (جبهه ملی) میباشد و در واقع خواستهای دموکراتیک و تمایلات ضد امپریالیستی پایگاه اجتماعی این سازمان یعنی آن محافل دانشجویی و روشنفکری در خارج که این سازمان نمایندگی آنها را بعهده دارد، این الزامات را در مقابل او قرار میدهند - بدین قرار این سازمان یا باید صادقانه در رابطه با این الزامات بخواستهای دموکراتیک و تمایلات ضد امپریالیستی توده های دانشجویی و براساس شعارهایی که این خواستها را منعکس میکند و در شرایطش هم منعکس است پاسخ گوید و یا در غیر این صورت، دیگر حتی بعنوان یک سازمان سرتقی نباشد، خواستهای همان بخش از محافل دانشجویی و روشنفکری در خارج هم نبود، و بعنوان یک جریان مشخصاً اپورتونیستی که مصالح جنبش را تابع اهداف سوداگرانه و سلطه طلبانه معدودی در رهبری جبهه میکند باید افشاء گردد. این تازه بر این فرض است که امکاناتی که این سازمان از منابع مختلف کسب می کند صرفاً باتکاء فعالیت های مبارزاتی خودش باشد، در حالیکه جبهه ملی این امکانات را نه بنام یک سازمان و یا سازمانهای دانشجویی و نه حتی صرفاً بنام کل جنبش دانشجویی بلکه بامانورها، وسایل و پوشش های مختلف، ستقیم و غیر مستقیم تهران و آشکار، بنام کل جنبش انقلابی مردم بدست می آورد، (۲) اما چگونه :

در تبلیغات، گفتگوها و مصاحبه های که جبهه ملی بخش خاورمیانه با محافل و سازمانهای انقلابی و سرتقی منطقه بعمل آورد، مستقیم و غیر مستقیم این تصور را که جبهه ملی متشکل از سازمانهای انقلابی و از جمله سازمان فدائیان و مجاهدین است، القاء میکند. بطوریکه مادر برخورد با بسیاری از این محافل و سازمانها کسه

* که در چنین صورتی طبیعتاً سازمانهای انقلابی وارد در جبهه نبرد نیز به حمایت اصولی از آن سازمانها پرداخته و فعالیت های مبارزاتی آنها را مورد تأیید قرار خواهند داد.

بصورت دقیق در جریان مسائل مبارزاتی ایران قرار نداشتند، می دیدیم که آنها از جبهه ملی چنین تصویری دارند. قابل توجه اینکه این تصور تنها و اساساً به این خاطر نیست که نام "سازمانهای جبهه ملی ایران" این تصور را برای آنها تداعی میکرد، بلکه همین بدلیل تبلیغات مستقیم و غیرمستقیم، کتبی و شفاهی و پنهان و آشکاری است که مسئولین جبهه ملی در بین محافل، سازمانها و نیروهای مختلف منطقه بعمل می-آوردند.

ما با عناصر مبارز غیرایرانی و نمایندگان بسیاری از سازمانهای انقلابی عرب برخورد می کردیم که چنین تصویری از سازمانهای جبهه ملی داشتند، آنها هنگامیکه توضیحات ما را مبنی بر اینکه جبهه ملی اساساً یک سازمان سیاسی دانشجویی فعال در خارج از کشور بوده و چنین ارتباطی با سازمانهای انقلابی ایران ندارد، می شنیدند از اینکه مدتها در اشدبها نگه داشته شده بودند تعجب میکردند. (۳)

مبنی جبهه چنین بود، است که در مواردی بعنوان پی ریزی بنای تحریف و دروغ خود با واقعیت و بیسری تمام، واقعیات مربوط به مبارزات انقلابی خلق ما را آشکارا تحریف و وارونه جلوه داده و از آن بعد همواره در دیگر موارد آشکار و پنهان بایستد. باز بهار زندیهای ویژه خود از طریق اشارات، کتایات، ابهام گویی، تشابهات و... بنای تحریف و دروغ خود را داد، ذهن نیروهای مبارز عرب (البته ما از خرابکارهایی جبهه ملی در بین نیروهای بازسازی مثل اطلاع چندانی نداریم) بین شک در بین این نیروها نیز جبهه ملی دست به خرابکاریهای زیادی باید زد، باشد نمونه ای از این خرابکاریها، تحریف هوس مارکسیست - لنینیستی سازمان ما در گفتگوی مخبر یک روزنامه آلمانی است که از طرف دانشجویان مبارز خارج از کشور بدستی افسانه و تحکم گردید (تکمیل نموده است).

بدین ترتیب برای اینکه جبهه چنین تصویری (تصور اینکه جبهه مشکل از سازمانهای انقلابی درون کشور است) را در ذهن نیروهای مبارز خاورمیانه القا کند دیگر

احتیاجی بعین نداشته که صریحا بگوید "جبهه ملی مشکل از سازمانهای انقلابی منجمله سازمان فدائیان و مجاهدین است" (کاری که به سرعت به افشای خود جبهه من انجامید) همین کافی بوده که با تحریفات، کتایات و ایجاد شبهات و با سکوت بزرگوارانه و عارفانه؛ خود واقعیات مبارزه سازمانهای انقلابی را برای مدتی در ذهن نیروهای مبارز منطقه را زکون جلوه دهد. حتی اگر بخواهیم در بسیاری از موارد در غبای آشکار و تحریفات جبهه را ندیده بگیریم و آن را به اصطلاح به پای اشتباهی نگار و شرح دهیم بهانه پیچ و مپیچندل جبهه بگذرانیم، اساسا وقتی جبهه در صد تکذیب این جمعیات و تحریفات که از زبان جبهه حقایق مربوط به مبارزه انقلابی خلق ما وارونه جلوه داده شده است بر نمیآید بلکه برعکس آن را تبلیغ میکند و وقتی در موارد مختلف، فعالیتهای انقلابی را در ایران بصورت کلی به "رقعا" نسبت میدهد و یا اگر سازمانهای انقلابی نسبت میدهد، طوری تبلیغ و مطرح میکند که هیچ تا قضا یا تصویری که از "سازمانهای جبهه ملی ایران" در محافل غیر ایرانی ترسیم کرده است، ایجاد نکند، شکی باقی نمیگذارد که سازمانهای جبهه ملی ایران مرکب از همان سازمانهای انقلابی موجود در جبهه نبود است؛ اضافه بر آن، جبهه در کنار کلی گویی و ابهام گزینش، در کنار حتی بعضی محمل سازمانهای "زیرکانه" سعی میکند با اصطلاح مدوک جرم هم از خود باقی نگذاشته و راه را برای هر نوع توجیه، تعبیر و توضیحی در آینده، در صورت لزوم، باز بگذارد.

واقعاً باید پرسید چه چیزی جز تبلیغات مستمر، آگاهانه و تحریف کننده جبهه می تواند - آنها برای رهبری يك سازمان فلسطینی که چندین سال بقول خودش در ارتباط مستحکم با جبهه بود - این تلقی را بوجود آورد که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران یکی از سازمانهای موجود در جبهه ملی ایران است و بعد چطور میشود که این اشتباه و تصور نادرست را که بزم جبهه هیچ ارتباطی با او ندارد، در "ایران الشوره" بدون کوچکترین توضیحی تبلیغ میکنند (۴) و (۵)

به این ترتیب دیده میشود که امکاناتی که جیبه ملی بدست آورده است عدد تسلط در رابطه با کل جنبش انقلابی و صریحا و تلویحا بنام جنبش انقلابی بوده است. بخش از این امکانات بانک، تأییدات نادرست و غیر اصولی چریکهای فدائی خلق از جیبه ملی و بخش دیگر بانک، تعرفات، دروغ پراکیها و سوء استفاده های جیبه ملی از واقعیات جنبش انقلابی خلق ما تاحدی که جیبه ملی راجببه متحد سازمانهای انقلابی درون کشور می نمایند بدست آمده است.

پنا بر این حش اگر رفتی فدائی از زاویه دید جیبه - مبادله - نیز میخواستند "پسر اساس امکانات و سازمانی که این جریان (جیبه ملی خاچ) در اختیار دارد" پس آن برخورد نمایند، باز هم میتوانستند یا امتیازاتی بسیار کمتر از آنچه داده شده است، امکان نداشت بیستوی گسب کنند، چه رسد به اینکه اصول و ضوابط انقلابی و کمونیستی بخوبی هد بر این روابط حاکم باشد، آنگاه (در صورت برخورد کمونیستی) دیگر راه هرگونه مطالبه قیر اصولی و باج خواهانه بر رهبری جیبه که مدعی پیروی از اصل حمایت بی قید و شرط از جنبش مسلحانه و همه امکانات در خدمت مبارزه انقلابی زحمتگشان میباشد بسته میشد، در این صورت از دو حال خارج نبود یا جیبه ملی بر طبق شعارهای ادعائی خود در رابطه با ملزمیات و ملاحظات مربوط به محتوای سیاسی - ایدئولوژیک فعالیتش همچنان از جنبش حمایت نموده و امکانات و کمک هایش را در اختیار آن گذازد و یا عملا از زیر بار این وظیفه شانه خالی کرد و با اشکال گوناگون پس از زمانورها رنگارنگ، آخرالامر مواضع واقعی خود را آشکار می کند - و تازه این چیزت که اول مواضع واقعی جیبه را در کل جنبش روشن نموده و تکلیف آن را نسبت به چریائی که جیبه ادعای نمایندگیش را دارد روشن میکند، که در هر دو صورت نتیجه جنبش نون انقلابی جنبش کمونیستی و سازمانهای آن بوده و میباشد.

مختصر مطالبی که ذکر آن رفت، برخی جوانب دیگر از روابط ناسالم و غیر کمونیستی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را با جیبه ملی به اختصار روشن میکند، همچنین

برخی از بسیاری مواضع - های جنبه ملی را از قبل جنبش‌نویان انقلابی، باجماله
 بنمایش می‌گذارد. همچنین نشان می‌دهد که جنبه ملی نمی‌تواند حتی در محدوده
 سیاست و ایدئولوژی يك سازمان صنفی - سیاسی "نمایشده واقعی تمایلات ترقی‌ها
 قشرهای دانشجویی اروپا باشد" و تنها بعنوان يك ارگان ضدانقلابی و اپورتونیستی
 شایسته افشا شدن می باشد.

بررسی فعالیت های "حمایت" گرانه جنبه ملی از جنبش مسلحانه پیشتاز
 که در صفحات قبل مختصراً به آن پرداخته شد و همچنین ادامه حرکت آن نشان می‌دهد
 هد که رهبری جنبه نه در جهت تحقق اهداف و شعارهای ادعایی اش در همسین
 خارج از کشور بلکه در جهت منافع اپورتونیستی گروهی و فردی رهبری گم برداشته
 است. بدین معنی که رهبری جنبه ملی تاجایی حاضر بوده (و میباشد) که از جنبش
 مسلحانه دفاع نماید که بتواند پشایلات سلطه طلبانه و گروه گرایانه خود جاسه عمل
 پیوشاند. برای جنبه ملی حمایت از جنبش مسلحانه پیشتاز بمعنای پاسخ به یسسله
 تعهد سیاسی - ایدئولوژیک و یا حتی اخلاقی نیست، او حاضر است از جنبش
 مسلحانه پیشتاز "حمایت" کند فقط بیک شرط و آن اینکه وثیفهای برای فعالیت‌های
 سوداگرانه و سود جویانه خود بدست آورد. از این رو ما دام که جنبش مسلحانه چنین
 وثیفهای در اختیار جنبه بگذارد، جنبه واله و سرگشته جنبش مسلحانه است و گسر
 نه بزم جنبه جنبش مسلحانه پیشتاز شایسته نابود شدن می باشد*.

پروسه روابط گذشته جنبه ملی با سازمانهای جنبش‌نویان انقلابی بخوبی مؤید

* - آخرین خیرهای که از شایعه پراکنی های جنبه ملی در خارومیانه بدست ما
 رسید، حاکی از همین آرزوهای ضد خلقی رهبری جنبه میباشد. رهبری جنبه پس از مهم
 خوردن روابطش با سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران بشایعه پراکنی پرداخته کسه
 "اولاً سازمان مجاهدین نابود شده است و ثانیاً فدائیان نیز پس از ضربات سال گذ-
 شته بین داخل و خارجهشان اختلاف افتاده و ما (جنبه) نیز فقط با خارجهشان اختلاف
 و با داخلشان ارتباط داریم." !!

حکم بالا میباید .

هرکجا و هر زمان جنبش مسلحانه پیشتر به فرصت طلبیهای سودا گرانه رهبری جبهه میدان داده است ، رهبری جبهه "حامی بی قید و شرط" جنبش مسلحانه پیسوده است و در آنجا که بهر دلیل این میدان تنگ شده است جبهه به کارشکنی ، سمپاشی ، و . . . علیه جنبش مسلحانه پیشتر و دستاورد های جنبش نوین کمونیستی میهنمان پرداخته است .

در مورد سازمان ما ، قبل از تحول ایدئولوژیک و گسترش آن به ارگان خارج از کشور ، جبهه ملی از مستولین وقت این ارگان ، بدلیل اینکه در موارد زیادی تن به خواستهای فرصت طلبانه و سودجویانه جبهه نداد بودند و در مقابل فرصت طلبیهای جبهه مقاومتهاش از خود نشان داد بودند ، بسیار ناخشنود بود و موضعگیریهای مشخصی هم از آن زمان چند روایط بین دو سازمان و چند سطح علنی علیه سازمان ما داشت* .

پس از تحول ایدئولوژیک سازمان ، موضعگیریهای جبهه علیه سازمان ماکرم شکل علنی بخود میگیرد و زمانیکه دستاورد های جنبش کمونیستی میهنمان و مواضع اصولی و قاطع آن را بالای سرخورد می بینند و احساس میکنند مواضع سلطه طلبانه و اپورتونیستی - اشمورد تهدید و تحدید واقع شده است آشکارا به تخطئه ، سمپاشی و لجن پراکنی علیه سازمان ما و دستاورد های جنبش نوین انقلابی و کمونیستی میهنمان میپردازد .

* - رفتای مسئول گدشته مادر خارج از کشور علیه فرم اینکه در بسیاری موارد در مقابل تقاضاها و مطالبات فرصت طلبانه جبهه ملی مقاومت نشان داده بودند ، بدلیل حاکمیت نقطه نظرات غیر مارکسیستی (دوا لیس مذهب) و مبعثرتر آن بدلیل ضعفها و انحرافات که بخصوص در این ارگان موجود بود ، قادر نبودند یک خط مشی اصولی و یک سیاست فعال را در رابطه با جبهه ملی پیش بگیرند ؛ آنها با هر خورد های تقصیر - لوی و جزئی (برخورد های جزئی که در نهایت سبب میشود انحرافات اساسی در س همین برخورد های جزئی و کشمکشهای متعاقب آن ، مجال ادامه زندگی ورشد پیدا نمایند)

در مورد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نیز تا آنجا که مواضع غیر اصولی این سازمان به گزاشات سلطه طلبانه و سودجویانه جبهه ملی، میدان میداد، جبهه واله و سرگشته این سازمان بود (۱) (در واقع واله و سرگشته نافع بود که میتواندست از قبل روابطش با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بدست آورد) اما زمانیکه روابط جبهه با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بحملی که هنوز دقیقاً برای ما روشن نیست بهم خورد (یعنی راه سودجویی جبهه بهر علت، موقتاً یا برای همیشه بسته شد) ناگهان جبهه بیاد ضعفها و نارسائیهای این سازمان نیز افتاد (۲) و در پیوسته شش "اختلاف نظر" و ۳۰۰ به شایعه پراکن ۳۰۰ علیه این سازمان پرداخت. و اما مسئله برانگیختن مخالفت جبهه ملی با جنبش نوین انقلابی و سازمانهای آن مسأله‌ای نیست که مورد استقبال کمونیستها و سایر انقلابیون واقعی، پیوسته خود ما که سهم بزرگی در وارد کردن جبهه به برداشتن نقاب حمایت از جنبش نوین انقلابی از چهره و مشخص تر شدن مواضع اپورتونیستی و ضد کمونیستی آن داشته ایم، قرار نگیرد. زیرا که علنی شدن تضاد ماهوی جبهه ملی با جنبش نوین انقلابی و گمونیست بودن ما نه تنها پرده از چهره اپورتونیستی ضد کمونیستی او برافکند، نه تنها مواضع ضد انقلابی تاجرسلگانه آن را کاملاً آشکار نمود، نه تنها راه را بر سلطه طلبی جبهه ملی در زمینه‌های مختلف در خارج از کشور و تحت پوشش دفاع از جنبش نوین انقلابی بست، بلکه اولاً راه نفوذ سوم ایدئولوژی بورژوازی بدرون جنبش نوین

همچنان راه سودجویی را بتوی برای جبهه ملی باز میگذاشتند بدین ترتیب آنها نیز بنوی دیگر و در مدارد دیگری با جبهه ملی سازش میگردند.

* - البته این کلام بمعنای فقدان اختلاف نظریین سازمان چریکهای فدائی خلق، که بهر صورت به جنبش کمونیستی میهن ما تعلق دارد، با جبهه ملی بعنوان یک سازمان صنفی - سیاسی آنها در خارج از کشور نیست. منظور ما اینست که این اختلاف نظریاتی از دایره ایدئولوژی، دو سیاست و دو موضع عملی است که نمیتوانسته و نمیتواند چیز تازه‌ای باشد که جبهه ملی آنها اکنون علم کند (مسئله ای که جبهه ملی نویز

انقلابی و کمونیستی از طریق جبهه ملی بسته شد. این امر یعنی قطع شاخکهای مسموم رهبری جبهه ملی از بیکر جنبش‌نویان انقلابی و کمونیستی میهن مان همانطور که به حفظ سلامت جنبش کمک میکند دو هموار شدن راه وحدت جنبش‌نویان انقلابی و کمونیستی میهن مان و همچنین وحدت دوسازمان مارچ‌های فدائی خلق نیستی نمیتواند بی تأثیر باشد.

ثانیا قطع شاخکهای مسموم رهبری جبهه ملی از بیکر جنبش‌نویان انقلابی، امر دفاع از جنبش‌نویان انقلابی و کمونیستی میهن ماراد ر خارج از کشور، از رهبری ناسالم و معامله‌گر جبهه ملی که بهمین دلیل توانسته است به حرثیت جنبش انقلابی و کمونیستی ما لطماتی در خارج از کشور، وارد ساخته و بسیاری از هواداران صادق جنبش‌نویان انقلابی را پایه بیراهه سوق داد، و یا از دایره سمپاتی‌زانیهای جنبش‌پیراکنده وین آبهاتفرقه و چند دستگی بوجود آورد، تصفیه کرده است.

مادر پایان نامه خود به جبهه ملی نوشتیم:

« در اینجا بار دیگر اعلام می‌دارم که آنچه می‌تواند مقدمه وزینه ضروری ارتسباط فعال و همکاری ما با شما بعنوان سازمانهای جبهه ملی ایران (بخش‌خاورمیانه ارفرا- هم آورد، همانا در اعلام صریح مواضع ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی شما و خواست صادقانه تان برای تصحیح و توضیح ابهامات و تناقضاتی که برشمرده می‌باشد، طبعا در این راه (راه تصحیح مواضع ایدئولوژیک - سیاسی - سازمانی جبهه و ۰۰) مانیز از همکاری و کمک تا آنجا که در توان داریم در یغ نخواهیم کرد - ما همچنین انتظار داریم مطالب این نامه را هم بعنوان گامی کوچک از طرف ما بعنوان پاسخ بوظایفی که در قبال شما و سایر نیروهای مبارز و جنبش‌انقلابی خلق مان بعهده داریم، تلقی نمائید.»

برای توجیه حرکت فرصت طلبانه خود، منتها از مضمون فرصت طلبانه و مودیانه به آن اقرار کرده است.

اکنون میتوانیم بگوئیم که خوشحالم از این که سهم نسبتاً بزرگی در این "تصریح مواضع" داشته‌ام. طبیعی است که اگر این تصریح مواضع در جهت مثبت می بود ماد رکوشش خود موفق تر می بودیم. اما این دیگر ماهیت سیاسی - ایدئولوژیک جبهه و کیفیت تضادهای ذاتی آن بود که جهت "تصریح مواضع" را مشخص نمود.

بهر حال، مسئله "قطع شاخکهای مسموم رهبری جبهه ملی" از بیکر جنبش نسوین انقلابی، نتایج تبحی آن و همچنین افشاء مواضع اپورتونیستی اش و کس در کنار رشد جوانه‌های جریانات سالم در خارج از کشور که آمادگی صاد قانه خود را برای حمایت بی قید و شرط از "ارتباط اصولی و ارگانیک با جنبش نسوین انقلابی اعلام داشتند - است." بگذاریم آنگاه در مقابل پند یا زان ماهری چون رهبری سازمانهای جبهه ملی (بخش خاورمیانه) که اپورتونیسم مژمن و بینش معامله گرانه و بیروزی اش امکان درس گیری از گذشته را از آن سلب کرده است، تنها یک راه باقی خواهد ماند و آن افتادن بسورطه ای است که رهبری خائن حزب توده سالیان دراز است در آن سکی گزیده است. در این "راه" رهبری جبهه داد و فغان زیادی تیز راه خواهد انداخت اما دیگر بشنیدن آن رفتی نشان داده نخواهد شد.



در پایان قابل ذکر است که جبهه ملی "جوابیهای" هم بونهامه ما فرستاده است. این "جوابیه" که سر تا پایش "هوشیگری" دروغ" افترا" مغلطه کاری" بند بازی" عوامفریبی" فحش و... میباشد در تاریخ ۱۳۲۵/۱۹۷۷ یعنی تقریباً مدت کوتاهی پس از انتشار همان جزوه خودشان (پیرامون تغییر مواضع اید -

*) - این آمادگی خود نشانه رشد آگاهی جنبش دانشجویی ما در خارج از کشور است. به حدی که میتوان گفت جنبش دانشجویی خارج از کشور با رشد این جریان است و ورود در مرحله جدیدی از همبستگی و هماهنگی با جنبش نسوین انقلابی را اعلام میدارد.

فولسوزيك سازمان مجاهدین خلق ایران) بما داده شد. ماهیچ ضرورتی در چاپ و انتشار این "جوابیه" فعلا از جانب خودمان نمی بینیم. اما از نظر اطلاع هموطنان و دانشجویان مبارزیه محتوای این "جوابیه" باید بگوئیم که جنبه بزودی داد و فغانش در خواهد آمد. هوجی گری و کولی گری بسیاری خواهد کرد و این "جوابیه" را نیز قاعدتا همراه با ترهات مشابهی برای خود منتشر خواهد نمود. بنابراین از این نظر - یعنی از نظر اطلاع هموطنان و دانشجویان مبارز از مفاد "جوابیه" - هم مسئله مهمی پیش نخواهد آمد. اما در صورتیکه جنبه سیاسی از انجام این کار یعنی انتشار جوابیهها شطره برود، از آنجا که این جوابیه خود یک نمونه تیبیک و جامع از بند بازیهها، دروغ پراکیها، و کولی گری های رهبری جنبه مراد است میدهد، ما خود در فرصت مناسب دیگری پس از تنظیم آن برای انتشار خاص - حتی به چاپ و توزیع آن اقدام خواهیم نمود.

(نسروردین ۵۶)

سازمان‌ها

۱- در این مقاله هرکجا سخن از جبهه ملی، جبهه ۴، جبهه ملی ایران و ... می‌شود قصد ما همان سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور - بخش خاورمیانه - میباشد. و هرکجا سخن از رهبری جبهه ملی می‌آید منظور ما همان عناصری هستیم که بنام رهبری سازمانهای جبهه ملی ایران بخش خاورمیانه فعالیت میکنند. ما جبهه ملی و موضوعش را از طریق همین عناصر وارگان رسمی شان باختر امروز می‌شناسیم و تا آنجا هم که میدانیم اینها نیز به عنوان اعضای جبهه ملی بلکه بعنوان مسئولین رهبری جبهه ملی با ما و نیروهای دیگر تماس میگیرند. این عناصر گاه بمقتضای منافعشان در محافل خصوصی و در برخورد با تقاضای کمیاب آن مواجه میشوند. خود را گروه مارکسیستی-لنینیستی که در درون جبهه فعالیت میکند، و یاد رتبه‌های خود آنجا که صلاح باشد (۱) خود را یک گروه مارکسیستی-لنینیستی که بخشی از فعالیتهای خود را در درون جبهه انجام میدهد، معرفی میکنند.

صرف نظر از اینکه این گروه در جبهه فعالیت میکند یا جبهه در این گروه و همچنین بدون اینکه بدینالها منع بشود ااتی از قبیل اینکه "این گروه بقیه فعالیتهایش را در کجا انجام میدهد؟" یا "شیم؟" از آنجا که این عناصر بعنوان مسئولین سازمانهای جبهه ملی ایران با ما و دیگران تماس میگیرند و ما هم با آنها بعنوان مسئولین سازمانهای جبهه ملی (بخش خاورمیانه) تماس داشتیم و همچنین از آنجا که موضوع، نقطه نظرات، ایدئولوژی و سیاست همونجاست که حاکم بر جبهه ملی است؛ بنابراین منظور ما از رهبری جبهه ملی، در تمام این یادداشت‌ها همین عناصر هستند. ما از وجود افراد یا جناحهای دیگری در رهبری جبهه ملی خارج که موضوعشان یا این افراد اختلاف اصولی داشته باشد اطلاع نداریم. بهر حال اگر چنین افرادی هم برفرض وجود داشته باشند، طبیعا در صورتیکه موضوعشان همان موضوعی است که همین عناصر رهبری بخش خاورمیانه تبلیغ میکنند، مشمول تضاروت‌ها و نقطه نظرات ما در باره جبهه ملی خواهند شد و اگر موضوعشان با اینها یکی نیست مسلما موضوع ناشناخته و پنهان آنها نمیتواند مورد نظر ما باشد.

۲- در ایجاد و تکیه را لازم میدانیم توضیح دهیم. اول اینکه بهر حال وظیفه شناساندن جنبش انقلابی ایران به سازمانها و نیروهای شرقی منطقه و جهان بعد از سازمانهای انقلابی و بوسه و نیروهای عالم پشت جبهه آنست. در مورد سازمانهای انقلابی این وظیفه مشروط به توان و ظرفیت سازمانی آنان در

هر مرحله از رشد خود میباشد، دم اینکه باید بعاین سئوال پاسخ داد که آیا ساز-مانها، محافل انقلابی و مترقی خارجی آنقدر از مبارزات انقلابی ایران بیگانه هستند که چنین تحریکات و تبلیغات سوء میتوانند حقایق را برای آنان وارونه جلوه دهد و آیا آنان بدون شناختن و ارزیابی دقیق حاضرند امکانات در اختیار این یا آن سازمان بگذارند؟ جواب روشن است و تجربه خود ما هم این را ثابت کرده است که در هر جا هر سازمان و سیاسی که اصول گرا تر، دقیق تر و سفت و سخت تر باشد چنین سوء استفاده‌هایی کمتر میتواند عمل شود و برعکس هر چه قدر بی در و دروازه تر، سهل تر و در مواردی با انگیزه‌های معامله گرانه مشابه توأم باشد، این کار با مقداری جبار و جنجال، مانور نمایش و روزنامه برآحتی (البته در یک دوره) امکان پذیر میشود. زیاد جای دوگرتنبروم، وقتی جبهه ملی میتواند در برخورد با رفقای فدائی بعنوان یک سازمان مارکسیست - لنینیست، چنین امتیازات بزرگی (از قرار گرفتن در نمایندگی سیاسی آنان در روابط خارجی تا قرار گرفتن در ارگان برنامه ریزی تبلیغات جنبش) مشابه یک پای مستقل (بدست آورد) در برخورد با سازمانها و نیروهای خود، پوزوئی که اساس معیارهای برخوردشان از زمین تا آسمان با معیارهای مارکسیستی-لنینیستی اختلاف دارد، این کار بطریق اولی امکان پذیر است. بخصوص که در این جریان، مانورهای جبهه ملی محمل و پشتوانهای چون حمایت و اعتبار سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران را بدنبال داشته باشد.

۴- در این زمینه ما شاهد موارد و نمونه‌های متعددی بودیم که دو سه مورد آن را که یاد و انتشارات خود جبهه ملی درج شده و یا پیشوی برای آن تبلیغ گردیده است در زیر می آوریم تا روشن شود علت این تصورات و تلقی‌های نادرست چیست.

الف- نمونه اول مصاحبه ایست که مسئولین جبهه ملی یا مخبر روزنامه فجرالجدید چاپ لیبی در ۲۴ مه ۱۹۷۳ انجام دادند و در این روزنامه بچاپ رسیده است. وقتی خبرنگار روزنامه «ابراهیم العزاز» درباره سازمانهای جبهه ملی ایران سؤال میکند و میپرسد «سازمان شما کار خود را از کی آغاز کرد؟» جواب داد: «میشود».

«... سازمان ما کار خود را با جنبش مصدق آغاز کرد که توانست ایران را از تسلط انگلیس آزاد کند و نفت ایران را ملی کند. در سال ۱۹۶۳ نظاهرات و شورش عظیمی همه جای کنسور را فراگرفت و پانزده هزار نفر در نتیجه حمله ارتش به تظاهرات کنندگان کشته شدند. از آن پس دریافتیم که ضروری است استراتژی خود را تغییر دهیم و بصورت یک مجموعه واحد بجایه با ارتش نبرد از هم بدین ترتیب سازمان به گروههای

کوچکی که در شهرها بارزیم می جنگند تبدیل شد ... همانطور که گفتم چگونگی
میدانستیم که مقابله با رژیم امری مشکل است بنابراین سازمان استراتژی خود را تغییر
داد بطوریکه به شکل گروههای کوچکی داخل شهرها عمل میکند - از سه سال پیش
این گروهها فعالیت خود را در مناطق مختلف آغاز کرده اند ، دوسر لشکرکه یکی از
آنها افسر ارتش و دیگری افسر شهرداری بود کشته شده اند ، اولی رئیس دادگاه نظامی
می بود که حکم اعدام بسیاری از برادران ما را صادر کرده بود .

یک سرانشگر آمریکا می بنام "پرایس" که مستشار نیروی نظامی هوایی بود و نیز
صد هاتن از افراد پلیس میدست انقلابیون ما کشته شده اند ، در طول سه سال گذشته
پیش از سید نفراز انقلابیون مادر طی عملیات ویا زیر شکنجه به سادات رسید ما ند
گروههای جدیدی تشکیل شده و به پایبوستند ، به آنها کمک میکنیم برای آنها بر نامه
واحدی را برای عمل در داخل میریزیم

و در مقابل این سؤال " که کشورهای همجوار چه شکل شما را پناه میدهند ؟ "
گفته میشود :

" مادر تحکیم پیوند ما با جنبشهای عربی می گوئیم و با مواضعی را که در آنجا
ها میتوانیم فعالیتهایمان را علیه رژیم تشدید کنیم بدست می آوریم ، ما البتعالوت
را برای تمرکز فعالیت در داخل قائلیم تا ضربات سریع و دردناک را با او جگر می
عملیات در نقاط مختلف ایران به رژیم وارد آوریم "

و در جواب این سؤال که " ارتش ایران با جبهه ملی همکاری میکند یا نه ؟ "
گفته میشود :

" برخی از افراد ارتش یا ما همکاری میکنند ولی البته خیلی مخفی
مطلب اینقدر روشن است که فکر نمیکنیم احتیاج به تفسیر داشته باشد .

در یک کلام کلیه مبارزات و جانفشانیهای خلق ما از زمان صدق گرفته تا مبارزات انقلاب
می کنونی همگی به سازمانهای جبهه ملی ایران (بخش خاورمیانه) نسبت داده شده و
تمام فعالیتهای سیاسی و سازمانی تحت رهنمود های آن انجام گرفته است !]

ب - مورد دوم خبرست که پروامون اعدام انقلابی دو مستشار آمریکایی در ایران
الثوره شماره ۱۲ حزیران (ژوئن) ۷۵ درج گردیده است .

با اینکه کاملاً روشن بود . سؤال این عملیات کدام سازمان است و حتی در همین
شماره ایران الثوره در پایورقی مقالهای ذکر شده است که عملیات توسط سازمان مجا -
هدین انجام شده است ولی در متن خبر اصلی که همراه با دو حکم مستشاران معدوم
میباشد بدون اینکه اسمی از سازمان عمل کننده این عملیات آورده شود نوشته شده

"وقادرداخل إيران" (٤) دوتن از افسران ارشد آمریکایی را که در نیروی هوایی ایران کار میکردند * اعدام نمودند * ۰۰۰۰ "

ایسران الثورة - العدد ١٢ * الصفحة ٤ * حزيران ١٩٧٥

اهدام العميلين الامريكيين بيد الثوار الإيرانيين

وهذا وتجي - هذه العملية بعد اقل من شهر على قيام السلطة العميلة بتفتيش جوية اعدام تسعة من الرفاق المكشوف السجن. وقد تلقى اضرار العملية التي تمت في وضع المفار صمقم وكالات الابنشاء وأسسند المطاية - والثارت غضب المشاء الشديد الذي ابرسهى حزة لقتل اسواده اعداء الشعب الإيراني .

بتاريخ ٤١-٥-١٩٧٥ . قام الرفاق في داخل إيران باعدام اثنين من كبار الخباط الامريكيين يسجلان في سلاح الجو الإيراني وتم اعلان نالق بلسان السفارة الاميركية في طهران ان الضابطین هما الكولونيل دول شمر والكولونيل جالت تریز . واتهم الارضايين الشيرعيين بالمسؤولیة عن العمات .



کولونیل شمر الامریکی العموم



کولونیل تریز الامریکی العموم

اعدام دو مزدور آمریکائی بدست انقلابیون ایران

در تاریخ ۲۱/۵/۷۵ ، رفقا در داخل ایران به اعدام دو تن از افسران عالیرتبه آمریکائی که در نیروی هوائی ایران کار میکردند اقدام نمودند . سخنگوی سفارت آمریکا در تهران اعلام داشت که دو افسر سرهنگ پل شفر و سرهنگ جاک ترنر بود مآند و تروریستهای کمونیست را مسئول این حادثه دانست . این عملیات در کمتر از یک ماه از اعدام ۹ تن از رفقا در داخل زندان بدست رژیم مزدور صورت میگردد و اخبار این عملیات که در روز روشن انجام شد توسط اکثر آژانسهای خبری و روزنامههای جهان نقل شد ، باعث برانگیخته شدن خشم شدید شاه شد که تأثر خود را از قتل اربابانش ، این دشمنان خلق ایران ، ابراز داشت .
(پایان ترجمه)

انتساب این عملیات به رفقا در داخل ایران ، در متن اصلی خبر و سپس در گوشه ای دیگره ریورقی مقاله دیگری انتساب آن بجاهدین یکی از همان شوگرهای زندان و محمل های "زیرکانه" جبهه ملی برای وارونه جلوه دادن حقایق جنبش انقلابی و توجیه انتقاداتی است که احتمال دارد در آینده در رابطه با این مطلب بفاووراد شود . جبهه ملی ابتداء در ذهن خواننده این توهم را بوجود میآورد (و یا بر مبنای تبلیغات گذشته این توهم را تحکیم می کند) که عملیات فوق توسط عناصر سازمانهای جبهه ملی در داخل صورت گرفته است . حال اگر خواننده ریورقی مذکور را مطالعه نمود و یا بعدا سازمان مسئول این عملیات را شناخت ، به این "حقیقت" نائل خواهد شد که منظور از "رفقا در داخل ایران" سازمانهای جبهه ملی همان سازمان "جاهدین خلق ایران" است که خود سازمانی از سازمانهای جبهه ملی است (۱) تا اینجا اوضاع بر وفق مراد جبهه ملی است و ضروری متوجه آن نیست چرا که بالاخره این عملیات یا توسط "رفقا در داخل" صورت گرفته و یا توسط سازمان مجاهدین خلق ایران که خود افتخار (۱) عضویت در سازمانهای جبهه ملی ایران را دارد .

اما جبهه ملی ظاهرا ز رنگ تر از اینست که دم بپله بدهد ، او را فرار و یا این گونه اعلام خبر نیز برای آینده باز میگذارد تا اگر اینبار نتوانست تقصیر را بگردن مترجم و چاپچی ، و ... بگذارد ، باشیوه همیشگی اش و با وضعی حق بجانب و عصبانی از اینکه به چیزی مشهم شده که روحش از آن بی خبر بود ، است ! بگوید :

* بی شرف است کسی که چنین نظری داشته باشد ، زذل است کسی که
 و سپس " استدلال " کند که ما مجاهدین را نیز رفقای خود میدانستیم ، گفتم رفقاً ،
 اگر منظور ما این بود که هلیات را بخود منتسب کنیم آن پاروقی را دیگر نمیآوردیم و
 دوباره ترجیح بتداستدلال خود را تکرار کند که " بی شرف است ... زذل ... "
 اما ما از خولتد خود میخواهیم که صجله نکند و فعلاً حرف جیبه ملی را هر طور
 شده یاور کند ، بعد در برخورد با موارد گوناگون دیگر در باره هدف جیبه ملی از
 این نحوه اعلام خیر قضاوت نماید .

ج - نمونه دیگر چگونگی ترکیب مطالب نشریه ایران الثورة می باشد .

شماره اول ایران الثورة نمونه خوبی برای این پرسش می باشد .
 در سرمقاله این شماره پس از ذکر مقدماتی راجع به منطقه و ... نوشته شده ،
 " ما بهمین منظور ، نقطه نظرات سازمانهای انقلابی مان را بزبان عربی در صفحات
 ایران الثورة منعکس خواهیم کرد "

توجه کنید که این نشریه همانطور که در بالای صفحه اول آن نوشته شده بر سر
 " سازمانهای جیبه ملی ایران بخش خاورمیانه " انتشار میآید - بدین ترتیب ،
 " سازمانهای جیبه ملی ایران بخش خاورمیانه " شهادت میکند که از این بعد نقطه
 نظرات سازمانهای انقلابی شان را در صفحات ایران الثورة درج نماید ، اما این سازمان-
 های انقلابی ، جیبه ملی کدامند ؟ ! تمام شماره های ایران الثورة و منجمده همیسن
 شماره به آن جواب میدهد ! این نقطه نظرات چیزی نیست جز نقطه نظرات سازمان-
 های چریکهای فدائی خلق ایران و مجاهدین خلق ایران !

مانزوی نمی بینیم حول این مسئله بیشتر به بحث بپردازیم - فقط صفحهاول همین
 شماره ایران الثورة را عیناً فتوکپی میکنیم ، خوانندگان مامیتوانند این سند را هر قفا ی
 عرب خود یا کسانیکه به زبان عربی آشنائی دارند نشان بدهند و استنباط آنان را
 از رابطه بین " سازمانهای جیبه ملی ایران ... " و سازمان مجاهدین خلق ایران
 جویا شوند .

(اصل سند در صفحه بعد ، خطوط تأکید در متن آن آزماست)

۴ - اشاره به مصاحبه ای است که " ایران الثورة " (مسئولین جیبه ملی خاور-
 میانه) با احمد جبریل ، از رهبران جیبه خلق برای آزادی فلسطین - فرمادهی
 عیسی - در سال ۷۶ بناسیت ۱۹ بهمین بعمل آورده است .

در این مصاحبه از احمد جبریل سؤال میشود : " از خلال روایط و آگاهیشان ،
 جنبش انقلابی ایران را چگونه می بینید ؟ " (نقل از باختر امروز شماره ۷۰ بهمین ۴)

إيران الثورة

صدرها - منظمات الجبهة الوطنية
الجزائرية في الشرق الاوسط

في القوات التي تطرد فيه الطلائع الثورية
توسطها بين الحركات الثورية لتسويق الشرق
الاسود وتزويج اوضاع الثورات الثماني بينها وتزويد
الاجم للشعب الثوري الشعب الايراني مع تسليح
الاجرة الثورية ضد الامبريالية ، فلنا نصيبا مع ذلك
كنا نعدو اعداد من مخرجنا بلطفي المروق - بالقسمة
العربية - وقد لم ايضا نشر اثنين مائة باسم - ايران
الجم - ولما هذا العدد سنسمن من اجل اصدارها
شعبيا بصورة منتظمة بالقسمة العربية - بجانب
الفرنسية - باسم - ايران الثورة - وستكون ليس
مناقول بين احوالنا واحوالنا من المناطق الثلاثة العربية
منظمات الجبهة الوطنية الثورية
في الشرق الاوسط

تصوير لاذ 1972

العدد الاول

العدد - 1 - السنة الاولى

بيان صادر عن منظمة مجاهدي
التسليح الايراني حول اعدام الجرم
العقيد تومس هاوكيتز معاون مديرية
المستشارية الامريكية في ايران - البلاغ
المسكري رقم 16 ، 5 حزيران 1972



يجب رد العنف الامبريالي بالعنف الثوري

وان تصد صله المنظمات بعضها البعض بكل سا
ستتارمه حيلة التعاقب الاوربي - طرنا ان نتناقل
بكل السبل من اجل توسيع رقعة الانتشار في منطقة
الشرق الاوسط وصيقله
طفا ان تسير بخطوات اكثر حرجا نحو تشكيل
جبهة ثورية ثعوب الشرق الاوسط ا لا ان نجلس
بنتظار مطالب المواثيق لثوى ما سيحدث
لا بد من ان نضمد من الروح النضالية لثورتنا
ضد الامبريالية والرجعيات المحلية
ونحن ا في حلة السبيل ، سوف نكتب طسنا
مستطك جريدة ايران الثورة ، وجهات لتسليح
مستقلاتنا الثورية بالقسمة العربية ، وسنقسمي بجانب
الفرقة جهاديين ثعوب المنطقة بشمال ثورتنا الى
مضامنة فصح الامبريالية وكلام الله العبدل وسار
الوجهين المتصلين .

تعتبر منطقة الشرق الاوسط ، قينا يقضي الواقع
الثوري ، احدي اهم بؤاع العالم واكثرها حساسية ا
هي مشفا كومة البرود التي لو التخرجت ، فلها تعلق
شوخات معو الامبريالية والرجعية على المستوى
العالمي .
وتشدد يوما بعد يوم ، التناقضات بين الامبريالية
والثوري الرجعية في المنطقة من جهة والتسحوب
المعظمه التي تفتتها من جهة اخرى ، ولزهد هذه
التناقضات بلورا نظرا بتسارع اخرى . ان الثوري
الرجعية المحلية والامبريالية العالميه تجد القسما
قواد حفر جاني جسيم ، لذا هي صدمات منذ زمن
بعد جميع الاستملاكات الزوف ضد الثوري الثورية
في المنطقة ، وهي منمكة بكل جد وشيئلتة في رسم
البروج المنتظمة ضد الحركات الثورية وليس هناك
اخر اختلاف في وجهات نظر هؤلاء فيما يخص حذبة

احمد جبریل پاسخ می‌دهد :

" روابط محکم مابا سازمان های جبهه ملی ایران و بیژن (علی الاخص) روابط رشد -
 یابنده مانبا سازمان چریکهای فدائی خلق مارا در شرایط نزدیکی
 (نقل و ترجمه از ایران النوره شماره ۱۶ شباط (فوریه) ۷۶)

توجه کنید که احمد جبریل از "خلال روابط و آگاهیش" (روابطی که با جبهه
 ملی داشته و آگاهش ای که جبهه ملی در اختیار احمد جبریل گذاشته است) سازمان
 چریکهای فدائی خلق ایران را جزئی از سازمانهای جبهه ملی ایران میدانند. آنگاه
 جبهه ملی با وقاحت سخنان احمد جبریل را به همان صورت بدون هیچ گونه توضیحی
 به عربی چاپ میکند و بدین ترتیب از زبان او این تصور باطل را باز در سطح تیورهای
 مبارز عرب تبلیغ و القاء می نماید و بدین ترتیب هم سازمانهای انقلابی را مورد اهانت
 قرار میدهد (با معرفی خود بعنوان جبهه های دربرگیرنده سازمانهای انقلابی) و هم
 اعتبار و حیثیت آنان را وثیقه سودجویی و سوداگری خود در منطقه قرار میدهد .

در ترجمه فارسی این مصاحبه که در باختر امروز شماره ۷۰ بهمن ۵۴ چاپ
 شده است جبهه ملی ، برای جلوگیری از انشاء اعمال تحریف آمیز ، سوداگرانه و ضد
 جنبش خود ، عبارت "علی الاخص" را "همچنین" ترجمه نموده و یکبار دیگر کوشیده
 بر فعالیتهای مؤدیانه و فرصت طلبانه خود سرپوش بگذارد . (همه جا تأکید از ماست ،
 استاد عربی و فارسی هینا در صفحه بعد آمده است)

۵- تأسف آور اینکه در مقابل تبلیغات منفی و مخرب جبهه ملی ، نه تنها ما
 برخورد مثبت و یاز دارند ، ای از طرف رفقای فدائی در خارج از کشور ندیدیم ، بلکه
 در مواردی قرائتی در مقابل ما قرار می گرفت که حاکی از همکاری و تأیید رفقای فدائی
 بود . برای مثال بصورت مبهم و پهلو گفته میشد که رفقای فدائی خلق هم در انتشار
 باختر امروز مسئولیت سازمانی رند (۱) مابدون اینکه اصراری در انتساب این اعمال
 و مسئولیتهای رفقای فدائی داشته باشیم در عین حال خواهان توضیحات رسمی این
 رفا حول این گونه ابهامات و ناروشنی ها هستیم .

مصاحبه با رفیق احمد جریل

دیر کل جبه خلق برای آزادی فلسطین - و همی موسی

سائل شده می که تکلیفون خطه با آن مراسم است؟
 وحدت عمل انقلابی در منطقه را ایجاد میکنه . تکلیفون
 ایران با ششماه و ۱ گنهی این مسئله ، دوستت ترین شواهد
 فلیس سا کرد ایران کوشش کرده اند من تکاملی جنبیدن
 به کیفیت مبارزه انقلابی در ایران ، برای ایران جنگی
 روزی و یانه با خطای خطه و تمام جبهه ۱ با سازمانی
 انقلابی رابطه اولتیمت قرار کنه در بین منظور عدلی
 از انقلابی ایران در صورت خطای منتهی عقب میرویم
 و میرویم و ترجیح به نبرد برخواستن و هرگز و رسیده آن
 این مسئله سطرانیشوری برای گذاشته اند . درین این
 سازمانها از جمله خلق برای آزادی فلسطین - فراموش
 همون . . . این رابطه و نتایج عملی آن ۶۶ می مادی و
 برای جنبه روابط انقلابی ایران و اختصار قرآن قتل است .
 بدینجهت بایست کار مایکرو مینرو مضاعف در ایران
 علاوه بر نامه ضروری که رفیق احمد جریل و همی کل
 این سازمان خطه سازمان جریلی فدائی خلق
 ارسال داشته ، مصاحبه ای برای بدین منظور که من آن بر
 ایران کرده ، نشریه هرین سازمان انتشار یافت و همی
 وجه فارسی آن نشر شده کن و اختصار من می شود .
 من - از خلال روابط و گفتگوها ، جنبش انقلابی
 ایران را چگونه می بینید ؟

ج - درجهت همکاری با سازمانها می می ایران و همی
 روابط رشد یافته ، سازمان جریلی فدائی خلق ،
 ملارد و شواهد بسیار دیگری نیست مایه که در ایران
 میگذره ، فراموش است . سترانیشوری و صلاحات
 خود را میباید بارها در همه انقلاب و پیشرفت ایران
 معنی میروند که میباید جان خود را بدهند و میکی .
 کفر ناه انقلاب در جهان ، و درجهت انقلابی مبارزه علیه
 امپریالیسم و همیگنشی با سایر ملل میکی بر آرای
 و عدالت میباید که یعنی زوال تسلط طبقاتی بر طبق
 میکی و رشتلی بر طبق میکی ، و تمامی بر اساس میکی
 و بستن آن برای سوسیالیسم اند ، در آن .
 ایران و وضعیت کنونی میکی در قوتون با یکدیگر
 امپریالیسم به نقطه در حاد رسیده بلکه در جهان بشمار مبارزه
 ورود روزی با درج ایران کلمه های نیست . تا این فرج
 که امپریالیسم باید هر صحت ترین مباحث مسوده ضربت
 فرج میگذره ، امری که منتهی آزادی و آزادی است کرم
 است . امپریالیسم را نسبت به دولت اولن کوه (انقلاب)
 در ایران سطرف فاشتم و تالیسی را در نفس گرفته
 می می مودعه

حول: الكناح المد

إن المسائل المتعددة التي يواجهها ثوار
 وحدة العمل الثوري في المنطقة - والثوار
 من هذه المسألة ، وفي أصعب الظروف إلا
 إيران سعوا في سبيل إيجاد التلاحم الثوري
 المتطرفة وتبادل التجارب مع المنظمات
 العديد من الثوار الإيرانيين في صفوف
 الثعوب ومقاتلي هذه المنطقة ،
 تعني وتم بدأ الترابط المعنوي وتناجحه
 وإضافة إلى الرسالة الخاصة التي بعث بها
 المتطرفة الكناح المسلح إلى الرفاق في منط

من ۱ - من خلال علاقاتكم وإطلاعكم
 كيف ترون وأقبح الحركة
 الثورية في إيران ؟

ج - من خلال العلاقة الوثيقة التي تربطنا
 بنظريات الجبهة الوطنية الإيرانية وعلى
 الأخص العلاقة الثابتة والمتطورة مع
 منظمة فدائيه الشعب الإيراني منسب
 أوائل السبعينات ، هذه العلاقة وضعنا
 في موقع قريب نسبياً مما يدور في إيران ،
 وجعلتنا قادرين نوعاً ما على إبداء
 ملاحظتنا حول تطور العملية الثورية
 هناك ، وتقديمها الخيبت لتأخذ مكانها
 كأحد البؤر الثورية في العالم ، وفي
 المعسكر الثوري المناضل ضد الامبريالية
 وسلفاتها من أجل السلام الحقيقي
 والحرية والعدالة الاجتماعية التي تعني

تصحیح

درجا پاول " مسائل حاد جنبشها " اشتباهاتی بچشم میخورد که بدینوسیله

تصحیح میگردد .

صفحه	سطر	اشباه	صحیح
۱۰	۸	آن که درجه	آن ° درجه
۲۸	۹	۳۳۰ و ۳۳۱	۹۵ و ۱۶
۲۹	۳	۱۱ تا ۶	۲۴ تا ۲۹
۶۶	آخر	گلوله‌ی برف	گلوله برف
۸۳	یازدهم	۳۱۸	۸۴
۸۴	۱۳ از آخر	ایهام و ایهام	ایهام و ایهام
۱۱۱	۱۷ از آخر	موضع	موضوع
۱۶۵	۱۱	تجوی	تجوی
۱۷۱	۲ از آخر	منین	لنین
۱۸۰	۴ از آخر	خلق و یا	خلق و یا
۲۲۰	۱۳	کس	که
۲۷۹	۱۴	۱۸۰	۲۶۸
۳۰۱	۱۶	۱۸۹ تا ۱۹۱	۲۷۷ تا ۲۷۹

A SUPPLEMENT TO

The
Critical Problems
of
Our Movement

MAY 1977

کمیته پشتیبانی از خلقهای ایران

آدرس بانکی :

Account No. 59397
Streamer Point Branch
National Bank of Yemen
P. D. R. Y.

آدرس پستی :

P.O. Box 246
Crater Aden
P. D. R. Y.

پیش بسوی مبارزه بخاطر وحدت همه‌ی نیروهای انقلابی خلق